

مالیات بر مجموع درآمد (۸): نحوه محاسبه درآمد مشمول



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۸/۱۳



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۲۰۱۶۶
کد موضوعی: ۲۳۰

عنوان گزارش:

مالیات بر مجموع درآمد (۸): نحوه محاسبه درآمد مشمول

نوع گزارش: طرح/ لایحه راهبردی نظارتی

نام دفتر:

دفتر مطالعات بخش عمومی (گروه سیاست‌های مالیاتی)

تهیه و تدوین:

محمدحسین بهمن‌پور خالصی (پژوهشگر خارج از مرکز - دانشگاه امام صادق(ع))

همکار:

مهدی سرمست شوشتری (گروه سیاست‌های مالیاتی)

ناظران علمی:

هادی ترابی‌فر، سیدعباس پرهیزکاری

ناظر علمی خارج از مرکز:

محمدجواد شریف‌زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع))

گرافیک و صفحه‌آرایی:

سمیرا صادقی‌عسکری

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی‌راد

واژه‌های کلیدی:

۱. مالیات بر مجموع درآمد
۲. محاسبه درآمد
۳. درآمد کار
۴. درآمد سرمایه
۵. حسابرسی مالیاتی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۲/۱۱/۰۱



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۸	۱. مقدمه
۹	۲. تعریف درآمد در نظام مالیات بر مجموع درآمد
۱۰	۳. جایگاه زمان در نحوه محاسبه درآمد
۱۱	۴. درآمد ناشی از کار
۲۰	۵. درآمد سرمایه
۲۳	۶. سایر درآمدها
۲۸	۷. مروری بر قانون مالیات‌های مستقیم در ایران
۲۹	۸. جمع‌بندی و پیشنهادها
۳۰	۹. پیوست
۳۱	منابع و مأخذ

فهرست جداول

۱۶	جدول ۱. مثال نرخ‌های مالیاتی
۲۰	جدول ۲. معایب شیوه‌های محاسبه عایدی سرمایه
۲۶	جدول ۳. مثال مدل‌های مختلف مالیات‌ستانی از برنامه‌های بازنشستگی



مالیات بر مجموع درآمد (۸): نحوه محاسبه درآمد مشمول

چکیده



یکی از محورهای تصمیم‌گیری در طراحی نظام مالیات بر مجموع درآمد تعیین نحوه محاسبه درآمد مؤدیان است. محاسبه و اخذ مالیات از پایه‌های مختلف مالیاتی روش‌های گوناگونی دارد. به‌طور کلی پایه‌های درآمدی را می‌توان به دو بخش درآمد ناشی از کار و درآمد ناشی از سرمایه تقسیم کرد. درآمدهای ناشی از کار شامل: درآمد مشاغل، حقوق و دستمزد و نیز مزایای نقدی و غیرنقدی کار است. درآمدهای مشاغل با توجه به ماهیت دو گانه آن، که بخشی درآمد ناشی از سرمایه و بخشی درآمد ناشی از کار است؛ حقوق و مزایای نقدی و غیرنقدی نیز هر کدام ملاحظات خاصی دارند. باید هر یک با توجه به شرایط خاص خود، به‌نحوی مشمول مالیات شده تا عدالت افقی و عمودی مالیاتی رعایت و از فرار مالیاتی نیز جلوگیری شود. در مورد نحوه محاسبه و اخذ مالیات از درآمد ناشی از سرمایه نیز ملاحظات مهمی وجود دارد. از انواع مهم این نوع درآمد، عایدی سرمایه، اجاره املاک و سود تقسیمی سهام و صکوک است، که هر یک شیوه‌های خاصی دارد و می‌توان باروش‌های مختلف مشمول باشند. امروزه کشورها در تلاش هستند تا با بهره‌گیری از شیوه اخذ مالیات در منبع، ضمن کاهش هزینه‌های تمکین برای مؤدی، از فرار مالیاتی نیز جلوگیری کنند؛ از این رو در اغلب کشورها از پایه‌های درآمدی همچون، مالیات به‌صورت اخذ در منبع گرفته می‌شود.



بیان / شرح مسئله

نحوه محاسبه درآمد مؤدیان، یکی از موضوعات مهم در طراحی نظام مالیات بر مجموع درآمد است. به طور کلی پایه‌های درآمدی را می‌توان به دو بخش درآمد ناشی از کار و درآمد ناشی از سرمایه تقسیم کرد. محاسبه و اخذ مالیات از پایه‌های مختلف درآمدی روش‌های گوناگونی دارد، که ضروری است روش‌های مختلف تبیین و مزایا و معایب هر یک از این روش‌ها بررسی شود. هدف این گزارش معرفی و ارزیابی این روش‌های محاسبه درآمد است.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

بررسی‌های این گزارش به طور خلاصه به این شرح است: درآمدهای ناشی از کار شامل درآمد مشاغل، حقوق و دستمزد و نیز مزایای نقدی و غیرنقدی کار است. درآمدهای مشاغل با توجه به ماهیت دوگانه آن، که بخشی درآمد ناشی از سرمایه و بخشی درآمد ناشی از کار است باید با توجه به روش‌های جداسازی درآمد تفکیک و متناسب با آن، مشمول مالیات شود. حقوق و دستمزد نیز نوع دیگری از درآمد ناشی از کار است که معمولاً با استفاده از روش‌های اخذ مالیات در منبع یا تکمیل اظهارنامه مالیاتی مشمول مالیات می‌شوند. معمولاً با هدف تحقق برابری افقی و عمودی مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی مزایای نقدی و غیرنقدی نیز مشمول مالیات می‌شود.

در مورد نحوه محاسبه و اخذ مالیات از درآمد ناشی از سرمایه نیز ملاحظات مهمی وجود دارد. یکی از انواع مهم این نوع درآمد عایدی سرمایه است. به طور کلی اخذ مالیات از عایدی سرمایه دو شیوه دارد: در روش اول به محض افزایش ارزش دارایی، میزان افزایش به عنوان عایدی سرمایه مشمول مالیات می‌شود. در روش دوم اخذ مالیات تا زمان فروش دارایی به تعویق می‌افتد و عایدی سرمایه به عنوان مابه‌التفاوت قیمت خرید دارایی محاسبه می‌شود. نوع دیگری از درآمد ناشی از سرمایه، اجاره املاک است که از آن می‌توان به دو صورت اخذ مالیات در منبع از مستأجر و یا اخذ مالیات با پر کردن اظهارنامه توسط مؤجر مالیات ستاند.

امروزه کشورها در تلاش هستند تا با بهره‌گیری از شیوه اخذ مالیات در منبع، ضمن کاهش هزینه‌های تمکین برای مؤدی، از فرار مالیاتی نیز جلوگیری کنند؛ از این رو در اغلب کشورها از پایه‌های درآمدی همچون سود تقسیمی سهام و صکوک، مالیات به صورت اخذ در منبع گرفته می‌شود. درآمدهایی همچون بازنشستگی، تسعیر ارز و برخی مشاغل خاص نیز دارای ملاحظات و شرایط خاص هستند که شیوه‌های آنها در گزارش مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

در اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و طراحی مالیات بر مجموع درآمد باید به این نکته توجه داشت که تحقق یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه در گرو بهره‌گیری از شیوه‌های کارآمد اخذ مالیات از پایه‌های مختلف درآمدی است. انتخاب روش بهینه باید براساس برابری افقی و عمودی، سهولت اجرا برای دولت و شهروندان و جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی باشد. توصیه می‌شود تا حد امکان از شیوه‌های ساده و غیر پیچیده همچون مالیات‌های کسر در منبع استفاده شود تا به افزایش تمکین و رضایت مؤدیان منجر گردد. همچنین باید توجه داشت هر چه در یک قانون مالیاتی نحوه محاسبه درآمد دقیق‌تر و به صورت جزئی‌تر تشریح شده باشد، مؤدیان راحت‌تر و با هزینه کمتری می‌توانند به تعهدات خود آگاهی پیدا کرده و تمکین کنند.



۱. مقدمه

یکی از پیچیده‌ترین ابعاد هر نظام مالیاتی تعیین پایه‌های مالیاتی است. در صورتی که در یک نظام مالیاتی، درآمدهای مؤدی به‌عنوان پایه مالیاتی مورد توجه باشد، چگونگی محاسبه درآمد مشمول مالیات می‌تواند از روش‌ها و ملاحظات گوناگونی برخوردار باشد که در این گزارش درصدد بررسی آن هستیم. اهمیت نحوه محاسبه درآمد در یک نظام مالیاتی از این رو است که نحوه تعیین پایه‌های مالیاتی و اخذ مالیات از آنها می‌تواند هزینه‌های زیادی را برای مجریان و مؤدیان نظام مالیاتی در بر داشته باشد. برای مجریان نظام مالیاتی این هزینه‌ها شامل: هزینه شناسایی منابع مشمول مالیات، هزینه شناسایی منابع معاف از منابع مشمول، هزینه‌های اخذ مالیات از مؤدیان، شناسایی فرار مالیاتی و... است. از سوی دیگر مؤدیان نیز هزینه‌هایی مانند هزینه آشنایی با تعهدات، هزینه محاسبه مالیات و... را تحمل می‌کنند. سادگی قوانین مالیاتی در خصوص نحوه محاسبه، اخذ و نیز معافیت‌های مالیاتی می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش هزینه‌های یک نظام مالیاتی و نیز افزایش تمکین مالیاتی داشته باشد.

در نظام مالیات بر مجموع درآمد، نحوه محاسبه درآمد مؤدیان، اصلی‌ترین بُعد تعیین پایه‌های مالیاتی است. نحوه محاسبه درآمد در نظام مالیات بر مجموع درآمد به عوامل مختلفی از جمله زمان اخذ مالیات و نیز زمان اکتساب درآمد توسط مؤدی وابسته است. با توجه به تنوع پایه‌های مالیاتی و تنوع ماهیت آنها در نظام مالیات بر مجموع درآمد، زمان وصول این درآمدها می‌تواند متفاوت باشد. از این رو نحوه زمان‌بندی اخذ مالیات از مجموع این درآمدها در یک نظام مالیاتی فراگیر^۱ می‌تواند تأثیر زیادی در میزان درآمد مشمول مالیاتی داشته باشد. از جمله عوامل دیگری که می‌تواند بر نحوه محاسبه درآمد اثر گذار باشد، نحوه اخذ بدهی مالیاتی است؛ اخذ مالیات به صورت اظهارنامه^۲ و یا اخذ در منبع^۳ و نیز اخذ مالیات از عایدی سرمایه^۴ در زمان فروشی دارایی^۵ و یا به محض افزایش ارزش (در طول دوره نگهداری)،^۶ می‌تواند میزان بدهی مالیاتی را متأثر کند. از سوی دیگر تعریف مؤدی و نحوه محاسبه هزینه‌ها و معافیت‌های مالیاتی نیز می‌تواند بر نحوه محاسبه درآمد اثر گذار باشد، که در ادامه این گزارش به تفصیل به آثار هر یک از این عوامل بر نحوه محاسبه درآمد پرداخته خواهد شد.

نحوه محاسبه درآمد در نظام مالیات بر مجموع درآمد به نسبت سایر انواع مالیات‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو است. دشواری محاسبه و تجمیع درآمد از منابع مختلف درآمدی به‌ویژه در نظام مالیاتی با نرخ‌های تصاعدی، عدم همگنی درآمدها به‌طوری که ماهیت بسیاری از پایه‌های درآمدی - همچون درآمد کار، درآمد سرمایه، مزایای غیر نقدی، هدایا و... - در نظام مالیات بر مجموع درآمد با یکدیگر متفاوت است، تفاوت زمانی در وصول درآمدها توسط مؤدی و...، از جمله چالش‌های پیش‌روی محاسبه درآمد در نظام مالیات بر مجموع درآمد است.

محاسبه درآمد و تعیین پایه‌های مالیاتی در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های مضاعفی روبه‌رو است. در این کشورها معمولاً نهادهای اجرایی مالیاتی به‌خوبی شکل‌نگرفته‌اند و از این رو انعطاف لازم را برای اخذ مالیات از منابع مختلف درآمدی ندارند. عدم شکل‌گیری کامل نهادها و مقررات مالی و نیز پیروی از مدل‌های حسابداری و تأمین مالی غیررسمی،^۷ یکی دیگر

1. Universal
2. Tax Return
3. Withholding
4. Capital Gain
5. On Realization
6. On Accrual

۷. عدم درج در دفاتر حسابداری دوطرفه که قابل استناد مراجع قانونی باشد.

از عواملی است که محاسبه درآمد را در این کشورها دشوار ساخته است. عدم شفافیت اقتصادی و در نتیجه وجود بازارهای غیررسمی و کسب و کارهای خرد نیز محاسبه درآمد به ویژه برای این کسب و کارها را دشوار کرده است؛ نفوذ بالای سیاستمداران و نیز گروه‌های فشار بر بدنه کارشناسی در این کشورها سبب تحمیل معافیت‌ها و هزینه‌های قابل قبول غیراستاندارد و ناهمگون می‌شود که این نیز به نوبه خود محاسبه درآمد مشمول مالیات را با چالش‌های زیادی همراه می‌سازد.

در این گزارش ابتدا به بررسی تعریف درآمد و ابعاد آن در نظام مالیات بر مجموع درآمد و نیز جایگاه زمان در نحوه محاسبه درآمد پرداخته خواهد شد. در ادامه به بررسی تفصیلی انواع گوناگون منابع درآمدی همچون درآمد ناشی از کار، درآمد ناشی از سرمایه و... که می‌توانند به عنوان منبع درآمدی در نظام مالیات بر مجموع درآمد به شمار آیند، پرداخته می‌شود و عوامل مؤثر بر نحوه محاسبه آنها مانند نحوه اخذ مالیات، زمان اخذ مالیات و... مورد بررسی قرار می‌گیرد. در خاتمه گزارش نیز الگوی پیشنهادی برای پایه‌های درآمدی، نحوه محاسبه آن و نیز نحوه اخذ مالیات از آن پایه‌ها برای نظام مالیات بر مجموع درآمد در اقتصاد ایران ارائه می‌شود.

۲. تعریف درآمد در نظام مالیات بر مجموع درآمد



درآمد را می‌توان بر اساس معیارهای متفاوتی تعریف کرد. در یک تعریف ذهنی، افزایش در میزان مطلوبیت هر فرد در طول دوره‌ای مشخص را درآمد می‌دانند؛ که بر اساس آن پول می‌تواند به عنوان شاخصی برای تعیین میزان مطلوبیت افزایش یافته به شمار آید. از جمله تعاریف دیگر درآمد، درآمد به عنوان معیار اندازه‌گیری میزان توانایی در اکتساب منابع است [۱].

با وجود تعاریف مختلفی که از درآمد وجود دارد، ولی رایج‌ترین تعریف درآمد که مورد تأکید اکثر نظامات مالیاتی قرار گرفته، تعریف کلاسیک درآمد یا به عبارت دیگر تعریف هیگ سایمونز^۱ است. بر اساس این تعریف، درآمد یک مؤدی در طول دوره‌ای مشخص عبارت است از: تغییر در قدرت خرید او در طول آن دوره. به عبارت دیگر درآمد مؤدی در یک دوره مشخص شامل میزان مصرف او در آن دوره و نیز افزایش (کاهش) خالص ثروت او در آن دوره است. سادگی، عینی بودن و نیز تحقق عدالت افقی و عمودی مالیاتی با قرار دادن این تعریف به عنوان معیار درآمد مؤدی، از جمله عوامل برتری این تعریف نسبت به سایر تعاریف است. بر اساس این تعریف مؤدیانی که درآمد بیشتری داشته باشند فارغ از آنکه این درآمد به صورت نقدی یا غیرنقدی است مستحق پرداخت مالیات بیشتری هستند و در نتیجه عدالت عمودی بدین صورت تحقق خواهد یافت. از سوی دیگر بر اساس این تعریف، تفاوتی نمی‌کند که درآمدهای یک مؤدی از چه منابعی حاصل شده باشد، بلکه فارغ از نوع درآمد، مؤدیانی که دارای قدرت خرید یکسانی هستند مستحق پرداخت مالیات یکسانی می‌باشند که این به معنای تحقق عدالت افقی است. برای مثال در صورتی که دو مؤدی دارای مجموع درآمد یکسانی باشند، ولی عمده درآمد مؤدی اول را درآمد ناشی از کار و عمده درآمد مؤدی دوم را درآمد ناشی از سرمایه تشکیل دهد، بر اساس تعریف هیگ سایمونز مستحق پرداخت مالیات یکسانی هستند [۲].

به رغم مزایای زیادی که تعریف هیگ سایمونز از درآمد دارد، ولی معمولاً دولت‌ها در نظام مالیاتی خود به دلایل مختلفی از آن عدول می‌کنند. مخارج جانبی کسب و کارها، وجود آثار جانبی مثبت برای جامعه در حمایت از برخی فعالیت‌ها همچون امور خیریه، جلوگیری از تراحم بیرونی^۲ بخش خصوصی با اعطای برخی معافیت‌ها و یارانه‌ها در عوض مداخله مستقیم دولت با بهره‌گیری از درآمد مالیاتی، حمایت از پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، تحریک پس‌انداز و... از جمله عواملی است که سبب می‌شود دولت‌ها انگیزه زیادی برای عدم لحاظ همه پایه‌های درآمدی به عنوان درآمد مشمول مالیات داشته باشند [۲].

1. Haig-Simons
2. Crowding Out



۳. جایگاه زمان در نحوه محاسبه در آمد



از جمله مؤلفه‌های مهم در محاسبه در آمد مشمول مالیات،^۱ توجه به دوره مالیاتی و زمان اخذ مالیات است. دوره مالیات‌ستانی می‌تواند نقش بسزایی در تعیین بدهی مالیاتی مؤدیان ایفا کند. این مؤلفه به‌ویژه در نظامات مالیاتی با نرخ تصاعدی و نیز برای مؤدیان با در آمد پر نوسان اهمیت مضاعفی دارد. همچنین تعیین دوره زمانی می‌تواند تأثیر بسزایی در ارزیابی یک نظام مالیاتی بر اساس عدالت افقی و عمودی ایفا کند. گاهی اوقات یک نظام مالیاتی -مانند نظام مالیاتی دو گانه- برای دوره‌های کوتاه مدت عدالت افقی و عمودی را محقق نمی‌کند، ولی برای دوره‌های بلندمدت این دو اصل محقق می‌شوند. توضیح بیشتر اینکه پس انداز و سرمایه‌گذاری نوعی به تعویق انداختن مصرف به حساب می‌آید؛ از این رو اخذ مالیات از سود سپرده و سرمایه‌گذاری در دوره‌های کوتاه مدت (یک ساله) در حقیقت سبب تحمیل بار مالیاتی اضافی به مؤدیان می‌شود و نوعی ترجیح مالیاتی را برای مصرف حال به نسبت مصرف آینده (پس انداز) ایجاد می‌کند. در صورتی که دوره مالیاتی در یک نظام مالیاتی کل زندگی فرد را شامل شود، در عمل از پس اندازهای انباشته افراد که برای مصرف در آینده ذخیره شده‌اند مالیاتی اخذ نخواهد شد و عدالت افقی مالیاتی محقق می‌شود [۳]. از این رو در نظامات مالیاتی دو گانه با کاهش نرخ مالیات بر در آمد سرمایه سعی می‌شود تا نابرابری افقی مالیاتی برای مؤدیان در طول دوره بلندمدت زندگی افراد کاهش یابد. در ادامه این بخش به دو نکته کلی پیرامون جایگاه زمان در نحوه محاسبه در آمد اشاره خواهد شد.

دوره زمانی مالیات‌ستانی می‌تواند به صورت ثابت و یا شناور تعیین شود. در حالت نخست معمولاً برهه زمانه مشخصی برای همه انواع در آمدهای مشمول مالیات و برای همه مؤدیان به عنوان دوره مالیاتی تعیین می‌شود، اما در حالت شناور، با توجه به نوع در آمد مشمول مالیات و نیز با توجه به نیازهای مؤدی معمولاً دوره‌های زمانی مختلفی جهت محاسبه در آمد مشمول مالیات به صورت قطعی و یا علی‌الحساب برای مؤدیان مختلف و پایه‌های مختلف تعیین می‌شود. در نظام‌های مالیاتی اغلب، جهت سهولت در اخذ و ممیزی مالیات و نیز کاهش هزینه‌های اجرایی، دوره مالیات‌ستانی برای تمامی مؤدیان ثابت و اغلب به صورت سالیانه -جهت هماهنگی با سال مالی دولت- تعیین می‌شود. با وجود این معمولاً مالیات‌هایی که به صورت اخذ در منبع در طول سال وصول می‌شود در دوره کوتاه‌تر -برای مثال ماهیانه- و یا به صورت علی‌الحساب از آنها اخذ و در پایان سال بدهی قطعی مالیاتی تصفیه می‌شود. گاهی اوقات برخی مؤدیان -مانند مؤدیان با در آمدهای پر نوسان و یا مؤدیانی که کسب و کار خود را در میان یک دوره مالیاتی آغاز کرده‌اند- به سبب ماهیت مشاغل خود و یا نوع حسابداری مالی بنگاه نیازمند تغییر در دوره مالیاتی هستند؛ در چنین شرایطی در برخی از نظام‌های مالیاتی -همچون استرالیا و انگلستان- این امکان برای مؤدیان خاص مهیاست که دوره مالیاتی خود را تغییر دهند. با این حال، این تغییرات می‌تواند هزینه‌های اجرایی نظام مالیاتی و احتمال فرار و اجتناب مالی را افزایش دهد. این امکان مالیاتی نیازمند وضع قوانین دقیق برای فرایند گذار مؤدیان از یک دوره مالیاتی به دوره دیگر است. معمولاً دوره گذار از انتهای دوره مالیاتی قبل آغاز و تا ابتدای دوره مالیاتی جدید ادامه دارد. این دوره می‌تواند دارای قوانین مالیاتی مجزایی باشد. مهم‌ترین هدف از تعیین دوره گذار جلوگیری از کوتاهی و یا افزایش طول یک دوره مالیاتی بیش از یک سال است [۴].

گاهی اوقات مؤدیان به سبب نوع کسب و کار خود نمی‌توانند با دوره مالیاتی یک ساله هماهنگ شوند. برای مثال مؤدیانی که طول قرارداد و یا مبنای فعالیت اقتصادی آنها بیش از یک سال است و در نتیجه در طول یک سال ممکن است با نوسانات مالی و اقتصادی زیادی روبه‌رو شوند، می‌توانند از دوره‌های مالیاتی سالیانه متضرر شوند؛ معمولاً نوسانات در آمدی این مؤدیان در طول سال‌های دوره فعالیت زیاد بوده و حتی ممکن است در یک سال متحمل ضرر شوند و یا به سبب نوع فعالیت، هزینه‌های قابل قبول آنها در طول یک سال بیش از بدهی مالیاتی‌شان شود. همچنین ممکن است برخی از مؤدیان برای مثال به سبب مهاجرت در طول دوره مالیات‌ستانی وارد نظام مالیاتی شده و یا از آن خارج

1. Taxable Income

شوند. از این رو دولت‌ها اغلب با استفاده از روش‌هایی همچون محاسبه درآمد میانگین چندساله به عنوان مبنای اخذ مالیات، محاسبه خالص ضرر مؤدی در یک سال به عنوان هزینه قابل قبول سال (یا سال‌های) بعد، تقسیم هزینه قابل قبول، عایدی و یا درآمد بسیار زیاد مؤدی به عنوان درآمد مشمول مالیات چند سال، سرشکن کردن درآمدها و هزینه‌های مؤدی در طول یک سال برای اخذ مالیات از بخشی از درآمدهای سالیانه مؤدی (برای مؤدیانی که تنها مشمول مالیات بخشی از دوره مالیاتی می‌شوند) و... عوارض جانبی دوره‌های مالیاتی بر برخی مشاغل و پایه‌های درآمدی خاص را کاهش می‌دهند [۴].

۴. درآمد ناشی از کار



معمولاً مالیات درآمدهای ناشی از کار که توسط اشخاص حقیقی حاصل می‌شود در نظام مالیات بر مجموع درآمد اخذ می‌شود.^۱ این درآمدها متناسب با نوع منبع اخذ درآمد به دسته‌های گوناگونی تقسیم می‌شود. در یک دسته‌بندی عمومی می‌توان آنها را به درآمدهای مشاغل، حقوق و دستمزد و نیز سایر درآمدهای ناشی از کار مانند مزایای نقدی و غیر نقدی کار^۲ تقسیم‌بندی کرد.

۴-۱. مشاغل (خویش‌فرمایی)^۳

روش محاسبه درآمد مشاغل باید به گونه‌ای باشد که تمامی منابع درآمدی مشاغل همچون کلیه مشوق‌های تجاری برای ورود به یک معامله، هدایا، مواردی که در دوره‌های قبل به عنوان هزینه قابل قبول به حساب می‌آمده، ولی از طریق برای بنگاه جبران شده مثل تأدیه طلب‌های پیشین، کلیه پرداخت‌های بیمه‌ای کسب و کار برای کاهش سود معاملات و اضرار وارده، سودهای بانکی ناشی از سرمایه‌گذاری در بانک، بورس و... را شامل شود [۵].

به طور کلی درآمد مشاغل به دو شیوه قابل محاسبه است: در روش اول با کسر هزینه‌های قابل قبول - همچون هزینه‌های دستمزد کارگران و نهاده‌های اولیه - از کلیه درآمدهای وصولی فرد، طی یک دوره مالیاتی مشخص، درآمد مشمول مالیات^۴ به دست می‌آید. شیوه دیگر آن است که با مقایسه تغییر در خالص دارایی‌های بنگاه نسبت به دوره مالیاتی گذشته، درآمد مشمول مالیات محاسبه شود؛ بر این اساس پایه مالیاتی برابر خواهد بود با مابه‌التفاوت تغییر در خالص دارایی‌های بنگاه به نسبت دوره گذشته. نتایج این دو روش تفاوت زیادی با یکدیگر ندارد؛ از این رو معمولاً از روش اول برای مشاغل کوچک و از روش دوم برای مشاغل و بنگاه‌های بزرگ که توسط چند نفر اداره می‌شوند استفاده می‌شود [۴]. محاسبه درآمد مشاغل و اصناف به سبب ماهیت ناهمگن درآمد اصناف، دارای پیچیدگی‌های زیادی است. کارفرما متناسب با سرمایه‌گذاری که برای بنگاه خویش انجام داده است - مانند خرید کالاهای سرمایه‌ای - انتظار بازدهی دارد و از سوی دیگر نیز فعالیت کاری او در بنگاه باید مشمول دستمزد شود؛ از این رو درآمد مشاغل و اصناف مشتمل بر دو بخش است؛ درآمد ناشی از سرمایه و نیز درآمد ناشی از کار. اهمیت توجه به تفکیک درآمد ناشی از کار و سرمایه در مشاغل خویش فرما برای نظامات مالیاتی دوگانه که نرخ مالیاتی‌های متفاوتی برای درآمد ناشی از کار و سرمایه دارند، دوچندان می‌شود. از این رو امروزه کشورها در تلاش هستند تا با استفاده از روش‌هایی، میان این دو نوع از درآمد تفکیک قائل شوند. یکی از رایج‌ترین این روش‌ها، «روش جداسازی» است. بر اساس این روش بازدهی قراردادی و مشخصی برای سرمایه در نظر گرفته می‌شود و پس از کسر آن از درآمد بنگاه و اخذ مالیات از آن متناسب با نرخ مالیات بر درآمد سرمایه، مابقی درآمد به عنوان درآمد ناشی از

۱. امروزه در برخی از کشورها همچون آمریکا، با هدف افزایش یکپارچگی نظام مالیاتی و کاهش هزینه‌های اجرایی، مالیات بر درآمد برخی اشخاص حقوقی همچون شرکت‌های کوچک نیز در نظام مالیات بر مجموع درآمد محاسبه و اخذ می‌شود.

2. Fringe Benefits
3. Self-Employment
4. Taxable Income

کار شناسایی شده که پس از کسر هزینه‌های قابل قبول، متناسب با نرخ‌های مالیات بر درآمد کار، مشمول مالیات می‌شود [۶]. برای مثال اگر یک مؤدی برای ایجاد یک بنگاه ۱۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری کند و درآمد ناخالص او برابر ۱۰۰ میلیون ریال در سال باشد و نرخ بازدهی سرمایه نیز ۳۰٪ در نظر گرفته شود و همچنین در صورتی که نرخ مالیاتی برای درآمدهای ناشی از کار ۲۰٪ و برای درآمد سرمایه ۱۰٪ بوده و هزینه‌های قابل قبول این مؤدی ۲۰ میلیون ریال باشد، در این صورت درآمد ناشی از سرمایه این مؤدی ۳۰ میلیون ریال خواهد شد و او مشمول بدهی مالیاتی ۳ میلیون ریالی برای درآمد ناشی از سرمایه می‌شود. درآمد ناشی از کار او نیز ۷۰ میلیون ریال است که پس از کسر هزینه‌های قابل قبول، مشمول بدهی مالیاتی ۱۰ میلیون ریالی می‌شود و بر این اساس کل بدهی مالیاتی این مؤدی برابر ۱۳ میلیون ریال خواهد بود.

در روش جداسازی، بازدهی قراردادی سرمایه، بازدهی نزدیک‌ترین فرصت سرمایه‌گذاری جایگزین است که از سایر عواملی همچون نوع شغل، سال‌های فعالیت، منطقه فعالیت و... نیز متأثر می‌شود.^۱ در برخی مدل‌های جداسازی، درآمدهای ناشی از کار که از آستانه مشخصی فراتر رود نیز درآمد سرمایه به حساب می‌آید و میزان فراتر از آستانه مشخص، متناسب با نرخ درآمد سرمایه مشمول مالیات می‌شود.

توجه به عامل زمان می‌تواند تأثیر قابل توجهی در نحوه محاسبه درآمد داشته باشد. نحوه محاسبه درآمد مشاغل خویش‌فرمان نیز متأثر از عامل زمان می‌تواند به دو شیوه روش حسابداری نقدی^۲ و روش حسابداری تعهدی^۳ محاسبه شود. مطابق با روش حسابداری نقدی، درآمد زمانی مشمول مالیات می‌شود که به صورت بالفعل در اختیار مؤدی قرار گیرد. همچنین هزینه‌ها نیز زمانی محقق می‌شوند که پرداخت شوند. در روش حسابداری تعهدی درآمد زمانی مشمول مالیات می‌شود که مؤدی حق دریافت درآمد را اکتساب کند و هزینه‌ها وقتی به وجود می‌آیند که مؤدی متعهد به پرداخت شود. این شیوه مالیات‌ستانی اغلب برای کشورهایی که شفافیت مالی و نیز بهره‌گیری از شیوه‌های مدرن حسابداری شیوع دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۴

همچنین در نظامات مالیاتی معمولاً مؤدیانی با درآمدهای بالا تحت شیوه محاسبه درآمد با استفاده از روش دوم قرار می‌گیرند و سایر مؤدیان نیز مخیر در استفاده از این دو شیوه می‌شوند. یکی از چالش‌های بهره‌گیری از این شیوه‌ها، گذار از محاسبه درآمد با استفاده از یکی از شیوه‌ها به شیوه دیگر است. این گذار ضمن آنکه ممکن است هزینه‌هایی اجرایی به مجریان و مؤدیان تحمیل کند، احتمال خطر کم برآورد کردن بدهی مالیاتی را نیز افزایش می‌دهد؛ برای مثال در صورتی که شیوه محاسبه درآمد یک مؤدی از روش نقدی به تعهدی برای دوره جدید مالیاتی تغییر کند، مبالغی که در سال گذشته فاکتور شده، ولی هنوز توسط مؤدی دریافت نشده است، در سال جدید مطابق با روش تعهدی، مشمول مالیات نمی‌شوند و با توجه به اینکه در دوره مالیاتی قبل نیز مطابق روش نقدی مشمول مالیات نشده‌اند، هیچ‌گاه تحت شمول مالیات قرار نمی‌گیرند [۴].

۱-۱-۴. ملاحظات محاسبه درآمد خویش‌فرمایی

۱-۱-۱-۴. درآمد‌های غیر قطعی

گاهی اوقات قراردادهای کاری به گونه‌ای منعقد می‌شود که در آن، درآمد قطعی کارگر مشخص نیست. برای مثال در صورتی که بخشی از درآمد کارگر به صورت ثابت به او پرداخت شود و بخش دیگر آن منوط به عملکرد او در طول یک پروژه بلندمدت باشد و در نتیجه در انتهای پروژه به او پرداخت شود و یا در صورتی که عدم عملکرد مطلوب و مورد انتظار کارفرما، درآمد کارگر را مشمول جریمه کند، درآمد قطعی کارگر در ابتدای دوره نامشخص خواهد بود و یا در برخی از موارد هزینه قطعی فروش یک محصول در ابتدای معامله نامشخص است؛ برای مثال گاهی اوقات هزینه استخراج از یک معدن برابر مجموع یک مقدار ثابت و نیز یک هزینه مشخص برای هر تن استخراج مازاد از سقف مشخص شده است و یا

۱. برای مثال این نرخ در کشور نروژ برابر میانگین بازدهی پنج‌ساله اوراق قرضه است.

2. Cash-Basis System

3. Accrual-Basis System

۴. براساس قانون تجارت، در ایران نیز شیوه حسابداری تعهدی ملاک محاسبات حسابداری و نیز اخذ مالیات است.

یک معدن دار حق امتیاز یک معدن را به شخصی می‌فروشد و تضمین می‌کند که خریدار می‌تواند میزان مشخصی راز معدن بهره‌برداری کند، ولی در انتها مشخص شود که ظرفیت معدن کمتر از میزان مشخص شده در قرارداد بوده است. در چنین مواردی معمولاً درآمد به دو بخش قطعی و غیرقطعی تقسیم می‌شود. بدهی مالیاتی درآمد قطعی مانند سایر درآمدهای عادی محاسبه شده و محاسبه بدهی مالیاتی مؤدی برای بخش غیرقطعی موکول به پایان معامله و قطعی شدن مبلغ قرارداد می‌شود. در مواردی که معامله دارای جریمه یا کسری نامشخص است نیز بدهی مالیاتی متناسب با درآمد اولیه اخذ می‌شود و در پایان معامله در صورت وجود کسری یا جریمه، مالیاتی که اضافی اخذ شده است تحت عنوان تعدیل بدهی یا اعطای هزینه قابل قبول به مؤدی بازگردانده می‌شود [۴].

۴-۱-۱-۲. پیش پرداخت‌ها

نحوه تعامل نظام مالیاتی با معاملاتی که دارای مخاطره فسخ - همچون معاملاتی که دارای پیش پرداخت هستند و خدمات و محصول با فاصله زمانی به مشتری اعطا می‌شود - است و یا دارای احتمال تحمیل هزینه‌های جانبی به فروشنده وجود دارد - مانند معاملاتی که با گارانتی محصول از جانب فروشنده همراه است - در نظامات مالیاتی مختلف متفاوت است. با وجود این اغلب در نظامات مالیاتی، درآمد حاصل شده شامل درآمدی است که به صورت قطعی به فرد تعلق گرفته است و دارای مخاطره عدم تعلق نیست؛ از این رو معمولاً پیش پرداخت‌های انجام شده در معاملات تا زمان قطعی شدن معامله به عنوان درآمد مشمول مالیات به حساب نمی‌آید؛ ولی هیچ دلیلی وجود ندارد که درآمد محصولات فروخته شده همراه با گارانتی و در نتیجه با امکان عودت، به عنوان درآمد مشمول مالیات محاسبه نشود [۴].

۴-۱-۱-۳. فروش اقساطی

ممکن است یک مؤدی از شیوه‌های خاصی برای معامله خود استفاده کند که در آن صورت قانونگذار باید تمهیدات ویژه‌ای را برای محاسبه درآمد مشمول مالیات متناسب با ویژگی‌های آن نحوه فروش در نظر گیرد. برای نمونه در این قسمت به بررسی نحوه محاسبه درآمد اصناف در صورت فروش اقساطی محصولات پرداخته می‌شود. در فروش اقساطی، معمولاً فروشنده کالایی را با قیمتی بالاتر به مشتری می‌فروشد و مشتری موظف است تا هزینه آن را طی یک دوره مشخص و در چند قسط پرداخت کند. زمانی که از روش نقدی برای محاسبه درآمد مؤدی استفاده می‌شود، هر قسط پرداختی به عنوان بخشی از سود فروشنده و نیز بخشی از هزینه اولیه برای تهیه یا تولید آن محصول در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس سود مؤدی (فروشنده) و نیز هزینه‌های قابل قبول او متناسب با اقساط به چند بخش تقسیم شده و متناسب با هر قسط دریافتی مالیات آن بخش محاسبه می‌شود. در صورتی که مالیات هر قسط محاسبه نشود، مؤدی می‌تواند با در نظر گرفتن اقساط اولیه به عنوان هزینه‌های محصول، سود حاصل از فروش محصولش را دیرتر شناسایی کند و در نتیجه مالیات خود را به تعویق اندازد. ضرورت این تقسیم‌بندی زمانی نمایان تر خواهد شد که دوره اقساط پرداختی بیش از یک دوره مالیاتی به طول انجامد و محصول فروخته شده دارای ارزش بالایی باشد [۴].

۴-۱-۱-۴. قراردادهای بلندمدت

یکی دیگر از ملاحظات که پیرامون نحوه محاسبه درآمد اصناف باید مورد توجه قرار گیرد، نحوه محاسبه درآمد در قراردادهای بلندمدت است. این قراردادها معمولاً بیش از یک دوره مالیاتی به طول می‌انجامند؛ از این رو محاسبه درآمد مؤدی در این قراردادها باید از شیوه خاصی پیروی کند. معمولاً محاسبه مالیات در این نوع از قراردادها به دو شیوه پس از اتمام قرارداد و یا محاسبه بر اساس پیشرفت کار صورت می‌پذیرد. در روش اول سود و یا درآمد مشمول مالیات، پس از اتمام قرارداد شناسایی و مالیات آن وصول می‌شود. در نتیجه اخذ مالیات تا اتمام قرارداد به تعویق می‌افتد. برخلاف این روش، در شیوه دوم سود در ضمن انجام قرارداد و به نسبت پیشرفت کار - مبتنی بر بازدهی انتظاری کار - شناسایی و مشمول مالیات قرار می‌گیرد. در این روش نسبت هزینه انجام شده در طول سال به نسبت هزینه کل پروژه می‌تواند به عنوان ابزاری برای سنجش میزان پیشرفت پروژه مورد استفاده قرار گیرد [۴]. برای مثال در صورتی که یک مؤدی به عنوان کارفرما، قرارداد سه‌ساله ساخت یک پروژه مسکونی را منعقد کند و هزینه انتظاری او برای ساخت این پروژه ۵۰۰ هزار ریال و درآمد انتظاری او یک میلیون و پانصد هزار ریال باشد،



سود کل پروژه برای او یک میلیون ریال خواهد بود. در صورتی که این کارفرما در سال اول ۲۰۰ هزار ریال هزینه کند، در آمد مشمول مالیات او برای این سال بر اساس روش دوم برابر خواهد بود با ۴۰۰ هزار ریال ($۴۰۰۰۰۰ = ۵۰۰۰۰۰ / ۲۰۰۰۰۰ * ۱۰۰۰۰۰$). در پایان این قسمت ذکر این نکته ضروری است که در محاسبه مالیات قرار دادهای بلندمدت اغلب روش دوم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵-۱-۱-۴. دوره‌های اخذ مالیات از درآمد مشاغل

یکی از شیوه‌هایی که امروزه نظام‌های مالیاتی با اهدافی همچون کاهش فرار و اجتناب مالیاتی، جلوگیری از تعویق پرداخت مالیات به پایان سال، تضمین تحقق جریان درآمدی برای دولت در طول سال از محل مالیات‌ها و نیز جلوگیری از مصرف درآمد و عدم شناسایی سود توسط بنگاه‌ها در طول سال، دنبال می‌کنند، اخذ بخشی از مالیات مؤدی در طول سال و طی چند قسط مشخص است. اخذ مالیات مشاغل در طول دوره مالیاتی در قالب چند قسط با وجود آنکه دارای مزایای زیادی است، ولی با چالش‌های اجرایی زیادی همراه بوده، یکی از مسائل موجود پیرامون اخذ مالیات در چند قسط، تعیین معیار برای بازه‌های زمانی و تعداد اقساط مالیاتی است. معمولاً دو معیار اساسی در تعیین تعداد این اقساط، نوع بنگاه (شرکتی، خویش فرمایی و...) و نیز اندازه بنگاه (مبتنی بر گردش مالی بنگاه و نیز حجم درآمد مشمول مالیات آن) است. معمولاً تعداد اقساط و بازه زمانی پرداخت اقساط برای بنگاه‌های کوچک و متوسط با بنگاه‌های بزرگ متفاوت است؛ علت اصلی این تفاوت در حمایت از بنگاه‌های کوچک با هدف کاهش هزینه‌های اجرایی و تمکین مالیاتی برای این بنگاه‌هاست. همچنین با توجه به آنکه عمده سرمایه بنگاه‌های کوچک برای انجام فعالیت‌های جاری در قالب جریان نقدی - و نه اعتباری - است، از این رو تلاش می‌شود تا پرداخت مالیات در طول سال، این بنگاه‌ها را با مشکل نقدینگی مواجه نسازد [۴].

یکی دیگر از چالش‌های این شیوه اخذ مالیات، تعیین میزان بدهی مالیاتی در هر قسط مبتنی بر درآمد مشمول مالیات مؤدی در طول سال برای اخذ مالیات و نیز معیار تعدیل درآمد و بدهی مالیاتی در صورت نوسان زیاد درآمد مؤدی است. چهار شیوه برای محاسبه اقساط مالیاتی در نظام‌های مختلف مالیاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ساده‌ترین شیوه، محاسبه اقساط مالیاتی مبتنی بر درآمد مشمول مالیات و در نتیجه بدهی مالیاتی سال قبل مؤدی است. روش دیگر آن است که در کشورهایی که دارای تورم‌های بالا هستند، درآمد مشمول مالیات مؤدی در سال قبل مبتنی بر تورم سال جاری تعدیل و مبنای محاسبه اقساط مالیاتی قرار گیرد. از جمله شیوه‌های دیگری که مورد استفاده قرار می‌گیرد، آن بوده، در صورتی که مؤدی قرار است بدهی مالیاتی خود را در چهار قسط در طول سال پرداخت کند، گردش مالی او در هر بازه زمانی مبنای اخذ مالیات از او در آن بازه قرار گیرد. برای این کار معمولاً نسبت درآمد مشمول مالیات مؤدی به گردش مالی او در طول سال گذشته در گردش مالی بنگاه در بازه جاری ضرب می‌شود تا درآمد مشمول مالیات احتمالی او برای بازه مورد نظر معین و مبتنی بر آن قسط مالیاتی مؤدی مشخص شود. روش دیگر آن است که درآمدها و هزینه‌های مؤدی از ابتدای دوره مالیاتی تا پایان بازه مورد نظر برای اخذ مالیات، به‌عنوان مبنای تعیین قسط مالیاتی مؤدی قرار گیرد [۴].

اگرچه شیوه‌های محاسبه قسط مالیاتی مؤدی که مبتنی بر درآمد و گردش مالی جاری مؤدی است به نسبت شیوه‌هایی که گردش مالی و درآمد سال گذشته را مبنای محاسبه قرار می‌دهند دقیق‌تر است، ولی معمولاً این شیوه‌ها هزینه‌های اجرایی بیشتری را به مؤدی تحمیل می‌کند. همچنین شیوه‌های مبتنی بر درآمد و گردش مالی سال جاری نیازی به تعدیل درآمد و نوسانات درآمدی مؤدی - برای مثال در صورتی که درآمد مؤدی در سال جاری به نسبت سال قبل آن کاهش چشمگیری داشته باشد - نخواهد داشت، ولی شیوه‌های محاسبه مبتنی بر سال گذشته در صورت تغییر زیاد در درآمد سال جاری مؤدی نیازمند سازوکارهایی برای تعدیل محاسبه درآمد مشمول مالیات است [۴].

از جمله چالش‌های هر دو شیوه محاسبه اقساط مالیاتی، نحوه محاسبه اقساط مالیاتی مشاغلی است که تازه شروع به فعالیت کرده‌اند؛ معمولاً با توجه به اینکه این مشاغل دارای سابقه مالی قبلی نیستند، نظام مالیاتی مجبور به تعویق اخذ مالیات از آنها تا پایان سال اول فعالیت آنهاست. از این رو، این مشاغل به نوعی مشمول ترجیح مالیاتی خواهند شد. با توجه به آنکه معمولاً درآمد سال اول این مشاغل زیاد و چشمگیر نیست و همچنین با هدف حمایت از کارآفرینی، این ترجیح مالیاتی قابل توجیه است. البته قانون مالیاتی نباید زمینه اجتناب مالیاتی را مبتنی بر

ترجیح مالیاتی مذکور، برای مشاغل پر سابقه از طریق احداث واحد صنفی جدید باز کند [۴].

۶-۱-۱-۴. اخذ مالیات مشاغل در منبع

اخذ مالیات مشاغل در منبع، یکی از شیوه‌هایی است که با هدف جلوگیری از فرار مالیاتی اصناف، در نظامات مالیات بر مجموع درآمد شیوع یافته است. در این شیوه مالیات‌ستانی معمولاً مالیات مشاغل از مشتریان وصول می‌شود. با توجه به کثرت معاملات مشاغل مخصوصاً بنگاه‌های کوچک - که تعداد معاملات با ارزش کم آنها بسیار زیاد است - اخذ مالیات در منبع هزینه‌های اجرایی زیادی را بر دولت تحمیل می‌کند. از این رو، این شیوه معمولاً با تعیین آستانه‌های خاص درآمدی برای معاملات با ارزش بالا و یا مؤدیان باریسک فرار مالیاتی بالا اجرا می‌شود [۴].

۲-۴. حقوق

حقوق، یکی از رایج‌ترین پایه‌ها در نظام‌های مالیات بر درآمد در کشورهاست؛ محاسبه حقوق به‌عنوان یکی از پایه‌های مالیاتی از دو شیوه پر کردن اظهارنامه مالیاتی توسط شخص مؤدی و یا اخذ مالیات در منبع که معمولاً توسط کارفرمایان صورت می‌پذیرد انجام می‌شود؛ اگرچه دشواری اعمال معافیت‌ها و اعتبارات مالیاتی موردی و خاص و نیز امکان اعطای اعتبارات مالیاتی قابل استرداد سبب شده است شیوه پر کردن اظهارنامه در تحقق اهداف باز توزیعی نظام مالیاتی موفق‌تر از شیوه اخذ مالیات در منبع باشد، اما امروزه مزایای بسیار زیاد اخذ مالیات در منبع بسیاری از کشورها را به سمت انتخاب این شیوه مالیات‌ستانی ترغیب کرده است. از جمله مزایای ویژه مالیات‌ستانی در منبع سادگی محاسبه و اخذ مالیات برای مؤدیان و مجریان نظام مالیاتی است که سبب می‌شود تمکین مالیاتی در شیوه اخذ مالیات در منبع - به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه - بیش از شیوه پر کردن اظهارنامه باشد. یکی از چالش‌های نظام مالیاتی نحوه تعامل با خیل عظیم مؤدیان و بررسی اظهارنامه‌های ایشان است. در شیوه اخذ مالیات در منبع، عمده تعامل مجریان مالیاتی با کارفرمایان است، در نتیجه هزینه‌های اجرایی و ممیزی تا میزان زیادی کاهش خواهد یافت؛ از سوی دیگر، عدم نیاز به مواجهه زیاد مؤدیان با مجریان مالیاتی ضمن آنکه پرداخت مالیات را برای آنها ساده‌تر می‌کند، احتمال ایجاد برخی مفاسد اداری را کاهش می‌دهد. از جمله مزایای دیگر شیوه اخذ مالیات در منبع برای حقوق و دستمزد آن است که این شیوه می‌تواند نیاز نظام مالیاتی را به پر کردن اظهارنامه مالیاتی کاهش دهد؛ عمده منبع درآمدی بسیاری از مؤدیان تنها حقوق و دستمزد است؛ در صورتی که یک نظام مالیاتی داری معافیت‌های استاندارد و نه موردی و ویژه باشد، در عمل این مؤدیان هیچ نیازی به پر کردن اظهارنامه مالیاتی نخواهند داشت [۷].

بدهی مالیاتی مؤدیان با استفاده از شیوه اخذ مالیات در منبع به سه طریق قابل محاسبه است. در روش اول که به روش ساده^۱ معروف است، بدهی مالیاتی مؤدی متناسب با جدول نرخ‌های مالیاتی - برای نظامات مالیاتی با نرخ تصاعدی - برای هر ماه محاسبه و از منبع درآمدی اخذ می‌شود. در این روش، در صورت تغییر درآمد مؤدی در طول سال، هیچ‌گونه تعدیلی در بدهی مالیاتی او صورت نمی‌پذیرد که این امر می‌تواند از نقاط ضعف این روش به‌شمار آید [۷]. مطابق با این روش، برای مثال اگر درآمد شخصی ماهیانه یک میلیون تومان باشد، به‌صورت سالیانه او دوازده میلیون تومان درآمد خواهد داشت؛ در صورتی که جدول نرخ‌های مالیاتی برای یک دوره مالیاتی یک‌ساله، به‌صورت زیر باشد، این مؤدی در سال مشمول یک میلیون و بیست هزار تومان بدهی مالیاتی است که با تقسیم این میزان بدهی مالیاتی به دوازده ماه، هر ماه ۱۰ هزار تومان از درآمد او در منبع اخذ می‌شود.



جدول ۱. مثال نرخ‌های مالیاتی

نرخ مالیاتی	درآمد سالیانه (تومان)
۰	۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰
۶٪	۱۰۰۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰۰
۲۱٪	بالتر از ۱۵۰۰۰۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

در صورتی که پس از ۶ ماهه اول سال، یعنی از ماه مهر، درآمد او پانصد هزار تومان در ماه افزایش یابد، مطابق با این روش محاسبه، درآمد جدید او دوازده برابر می‌شود و مبنای محاسبه بدهی مالیاتی او در سال قرار می‌گیرد؛ در نتیجه در شرایط جدید درآمد سالیانه این مؤدی هجده میلیون تومان خواهد بود و او مشمول نه‌صد و شصت هزار تومان به‌عنوان بدهی مالیاتی در سال می‌شود که پس تقسیم آن به دوازده، بدهی مالیاتی ماهیانه او - از ماه مهر به بعد - هشتاد هزار تومان می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، با وجود آنکه درآمد ۶ ماه اول مؤدی یک میلیون تومان بود، ولی در این روش، درآمد ماه مهر مطابق با درآمد جدید او محاسبه شد و با توجه به بیش برآورد درآمد واقعی، در سطح درآمدی بالاتر و مشمول نرخ‌های بالاتر مالیاتی قرار خواهد گرفت، در حالی که درآمد واقعی این مؤدی در طول سال پانزده میلیون تومان خواهد بود. در حقیقت مؤدی در این روش مؤدی از ماه مهر به بعد مشمول مالیاتی بیش از بدهی مالیاتی واقعی خود - که بیست و پنج هزار تومان است - می‌شود. از جمله ویژگی‌های روش ساده اخذ مالیات در منبع آن است که کارفرما تعهدی در قبال سایر منابع درآمدی کارگر نخواهد داشت. همچنین نوسانات قیمتی و تغییر در معافیت‌ها در دوره‌های مختلف تأثیری در محاسبه بدهی مالیاتی در یک دوره مشخص ندارد.

روش دیگر محاسبه بدهی مالیاتی مؤدی با استفاده از شیوه اخذ در منبع به روش تجمعی^۱ معروف است. براساس این روش، بدهی مالیاتی مؤدی به صورت پیوسته متناسب با نوسانات درآمدی باز محاسبه و تعدیل می‌شود. به بیان دیگر در این روش درآمد حقیقی مؤدی در طول یک سال مبنای محاسبه بدهی مالیاتی قرار می‌گیرد [۷]. مطابق با مثال قبل، در صورت افزایش درآمد مؤدی به میزان پانصد هزار تومان در ماه مهر، درآمد مبنای سالیانه این مؤدی برای محاسبه بدهی مالیاتی مهرماه، از تجمیع درآمد ۶ ماه اول سال او (یعنی $6 \times 1000000 = 6000000$) و نیز درآمد ۶ ماه دوم سال او به صورت تخمینی و براساس درآمد افزایش یافته مهرماه (یعنی $6 \times 1500000 = 9000000$) که برابر پانزده میلیون تومان است، محاسبه می‌شود. بر این اساس بدهی مالیاتی او با احتساب نرخ ۶ درصدی برابر سی صد هزار تومان خواهد بود؛ با توجه به اینکه این مؤدی در ۶ ماهه اول سال مبلغ شصت هزار تومان را به‌عنوان بدهی مالیاتی پرداخت کرده است، بدهی مالیاتی مهرماه، پس از کسر این مبلغ از کل بدهی مالیاتی سال ($6000000 - 3000000$) و تقسیم آن بر ۶ ماه یعنی برابر چهل هزار تومان خواهد بود. روسیه و انگلیس از جمله کشورهایی هستند که از روش تجمعی برای محاسبه درآمد استفاده می‌کنند.

نکته قابل توجه در مورد تفاوت روش اول و دوم آن است، در صورتی که نظام مالیاتی دارای جدول نرخ‌های تصاعدی نباشد، این دو شیوه در محاسبه بدهی مالیاتی تحمیل شده به مؤدی در شرایط نوسان درآمدی، تفاوت چندانی با یکدیگر نخواهد داشت.

شیوه دیگر اخذ مالیات در منبع، به روش ترکیبی^۲ یا تعدیل پایان سال معروف است. در این شیوه مطابق با روش اخذ در منبع ساده بدهی مالیاتی مؤدی محاسبه و در طول سال اخذ می‌شود؛ در انتهای دوره مالیاتی با مقایسه میزان بدهی مالیاتی مؤدی که متناسب با درآمد حقیقی او محاسبه می‌شود با مالیات پرداختی او در طول سال، مابه‌التفاوت پرداختی مؤدی به او بازگردانده می‌شود. فارغ از آنکه نظام مالیات‌ستانی

1. Cumulative
2. Hybrid

کدام شیوه اخذ مالیات در منبع را انتخاب کند، در صورتی که دوره زمانی اخذ مالیات به صورت ماهیانه مشخص و جداول نرخ‌های مالیاتی به صورت ماهیانه تنظیم شود، چالش نحوه مواجهه نظام مالیاتی با نوسان درآمدی در طول یک سال حل خواهد شد و بر این اساس نیاز به هیچ گونه تعدیل بدهی مالیاتی در پایان سال نخواهیم داشت. آلمان و ژاپن از جمله کشورهایی هستند که از این شیوه محاسبه درآمد استفاده می‌کنند [۷].

۱-۲-۴. چالش‌های اجرایی اخذ مالیات در منبع

چالش‌های اجرایی زیادی سبب آن شده است که اخذ مالیات در منبع معمولاً به‌عنوان یک روش مقدماتی و یا تکمیلی نیز در کنار شیوه پر کردن اظهارنامه مالیاتی قرار گیرد. در صورتی که یک نظام مالیاتی دارای نرخ‌های تصاعدی باشد، اخذ مالیات در منبع نمی‌تواند به‌عنوان یک شیوه مستقل و نهایی برای مالیات‌ستانی مطرح شود؛ در چنین شرایطی برای تحقق عدالت افقی مالیاتی، مجری نظام مالیاتی نیازمند جمع تمامی منابع درآمدی از طریق اظهارنامه و قرار دادن مؤدی در یکی از سطوح درآمدی و اخذ مالیات متناسب با نرخ تعیین شده در آن سطح است. عدم تجمع درآمدها برای مؤدیانی که دارای چندین منبع درآمدی هستند، می‌تواند مؤدی را در سطوح پایین درآمدی قرار داده و او را مشمول سطح پایین‌تر بدهی مالیاتی به نسبت مؤدی دیگری که همان میزان درآمد را از یک منبع درآمدی دارد، کند. همچنین در صورتی که واحد مالیاتی در یک نظام مالیاتی خانواده باشد به سبب نیاز تجمع درآمد خانوار، اخذ مالیات در منبع به‌عنوان شیوه نهایی اخذ مالیات امکان‌پذیر نیست [۷].

یکی از ممیزه‌های ویژه اخذ مالیات در منبع، انتقال بخشی از هزینه‌های اجرایی نظام مالیاتی از دولت به کارفرمایان است. در این مدل کارفرمایان موظف به محاسبه و اخذ بدهی مالیاتی کارگران و انتقال آن به خزانه هستند. همچنین آنان موظفند معافیت‌های مؤدی را که توسط او ادعا می‌شود بررسی و اعمال کنند. از سوی دیگر در برخی از نظامات مالیاتی کارفرمایان موظفند تا در صورتی که یک مؤدی دارای چند شغل است، تمامی درآمدهای حاصل از این مشاغل را احصا و به‌عنوان درآمد مشمول مالیات در زمان محاسبه بدهی مالیاتی مؤدی مورد توجه قرار دهند. از این رو جبران هزینه‌های کارفرما یکی از چالش‌های این روش مالیات‌ستانی است. اگرچه برخی این هزینه‌ها را بخشی از هزینه استخدام کارگر یا بخشی از هزینه‌های تمکین و عمل به تعهدات مالیاتی دانسته‌اند، اما به نظر می‌رسد جبران این هزینه‌ها باعث افزایش انگیزه کارفرما در همکاری با نظام مالیاتی و در نتیجه افزایش تمکین مالیاتی می‌شود. در صورتی که میان اخذ مالیات توسط کارفرما و وصول آن توسط دولت فاصله‌ای ایجاد شود، کارفرما می‌تواند از سود مالیات تجمیعی بهره‌برد که این خود می‌تواند بخشی از هزینه‌های اجرایی او را جبران کند [۷]. چنانچه اشاره شد، محدودیت‌های موجود در برابر اخذ نهایی مالیات‌ها با استفاده از روش اخذ در منبع، کشورها را به سمت استفاده از روش‌های ترکیبی سوق داده است. یکی از شیوه‌های ترکیبی اخذ مالیات، تعیین آستانه درآمدی برای پر کردن اظهارنامه است؛ یک مؤدی تنها در صورتی که بیش از سطح مشخصی درآمد داشته باشد و یا مشمول سطح بالایی از معافیت‌ها قرار بگیرد، موظف به پر کردن اظهارنامه خواهد بود. همچنین مطابق با این روش، در صورتی که مؤدی دارای منابع متعدد درآمد ناشی از سرمایه باشد و یا در چند محل مشغول کار باشد نیز موظف به پر کردن اظهارنامه است. این روش سبب می‌شود تا ضمن کاهش آسیب‌های اخذ مالیات در منبع، بسیاری از مؤدیان از پر کردن اظهارنامه مالیاتی معاف شوند [۷].

۳-۴. سایر (مزایای نقدی و غیرنقدی کار)

مزایای نقدی و غیرنقدی کار از جمله پایه‌های درآمدی به حساب می‌آیند که مطابق با تعریف کلاسیک درآمد و نیز برای تحقق عدالت عمودی و افقی مالیاتی باید مشمول مالیات‌ها قرار گیرند. به طوری که با مقایسه دو مؤدی در یک نظام مالیاتی، در صورتی که یکی از ایشان دارای دستمزد بالاتر و دیگری دارای دستمزد کمتر، ولی مزایای بیشتر باشد و مجموع ارزش درآمدی ایشان یکسان باشد، باید مالیات یکسانی را پرداخت



کنند. اگرچه اخذ مالیات از مزایای نقدی و غیرنقدی کار دارای پیچیدگی‌ها و هزینه‌های اجرایی خاصی بوده، ولی معمولاً به سبب اهمیت آن در جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی، مورد توجه کشورهای واقع شده است.

محاسبه مزایای نقدی و غیرنقدی کار و اخذ مالیات از آن به سه شیوه صورت می‌پذیرد: در روش نخست، مزایای نقدی و غیرنقدی کار به عنوان بخشی از درآمد مؤدی شمرده می‌شود که همراه با سایر درآمدهای ناشی از کار - مانند حقوق و دستمزد - و نیز مشابه با جدول نرخ‌های مالیاتی برای این دسته از درآمدها، مشمول مالیات می‌شود [۸].

معمولاً هزینه‌های کسب درآمد به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی به شمار می‌آید و از پرداخت مالیات نیز معاف است. روش دوم، اخذ مالیات از مزایای نقدی و غیرنقدی کار آن است که دولت با چشم‌پوشی از محاسبه مخارج تهیه مزایای کار به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی، نوعی مالیات جایگزین را از کارفرمایان اخذ کند. این روش به صورت فراگیر برای تمامی انواع مزایای نقدی و غیرنقدی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و معمولاً برای اخذ مالیات از برخی مزایای نقدی و غیرنقدی کاربرد دارد؛ در مواردی که محاسبه ارزش برخی مزایای غیرنقدی به دشواری امکان‌پذیر بوده و یا دارای هزینه‌های اجرایی بالایی است، از این شیوه مالیات‌ستانی استفاده می‌شود. همچنین در بعضی موارد، تعیین کارگران و مؤدیانی که از مزایای غیرنقدی استفاده کرده‌اند برای کارفرما بسیار هزینه‌بر و یا دشوار است؛ برای مثال زمانی که یک کارفرما با یک رستوران برای اعطای تخفیف به کارگران قرارداد می‌بندد، با وجود آنکه کارفرما به نوعی این مزیت را برای تمامی کارگرانش قرار داده است، ولی همه آنها از این خدمات استفاده نمی‌کنند. در چنین شرایطی تعیین کارگرانی که از این خدمات استفاده کرده‌اند و تبعیض در اعمال مالیات از ایشان می‌تواند هزینه‌هایی را برای کارفرما داشته باشد. از این رو در چنین شرایطی مالیات این مزایا یا باید از طریق روش دوم مورد محاسبه قرار گیرد و یا آنکه مالیات مزایا به امکان بهره‌مندی از حق استفاده از خدمات رستوران با قیمتی پایین‌تر و نه لزوماً استفاده از خدمات رستوران تعلق گیرد [۸]. روش دوم محاسبه مالیات مزایای نقدی و غیرنقدی کار، دارای معایبی نیز است. چشم‌پوشی از اعطای هزینه‌های قابل قبول برای مزایای نقدی و غیرنقدی کار، زمانی که کارفرما از اعطای مالیات معاف بوده، بی‌معنا و غیرقابل اجراست؛ از این رو، این روش برای مشاغل معاف از مالیات و یا خدمات عمومی قابل استفاده نیست.

روش سوم اخذ مالیات از مزایای نقدی و غیرنقدی کار آن است که قانونگذار مالیات مجزایی را متناسب با ارزش مزایای اعطایی به کارگران و کارمندان برای کارفرما وضع کند. این شیوه مالیات‌ستانی نیز دارای معایبی است. اخذ مالیات مجزا برای مزایای نقدی و غیرنقدی کار از کارفرما، احتمال عدم محاسبه این مزایا به عنوان بخشی از درآمد مؤدی برای اخذ سایر انواع مالیات‌ها و کسورات که دارای پایه درآمدی هستند - مانند حق بیمه تأمین اجتماعی - را افزایش می‌دهد. معیار اعطای برخی یارانه‌ها و خدمات دولتی میزان استطاعت درآمدی افراد است. اخذ مالیات مجزا برای مزایای نقدی و غیرنقدی از کارفرما و نه کارگر احتمال عدم محاسبه این مزایا به عنوان بخشی از درآمد مؤدی برای اعطای یارانه‌ها و خدمات عمومی را افزایش خواهد داد. از جمله آسیب‌های دیگر این شیوه محاسبه مالیات، اخذ مالیات مضاعف از مزایای نقدی و غیرنقدی خارجی است. معمولاً مالیات درآمدهای خارجی که از یک مؤدی غیر مقیم اخذ می‌شود به عنوان اعتبار مالیاتی^۱ برای آن مؤدی در کشور مقیم لحاظ می‌شود. در صورتی که پایه مالیاتی اخذ نوع واحدی از مالیات در دو نظام مالیاتی متفاوت باشد، احتمال عدم محاسبه مالیات پرداختی به عنوان اعتبار مالیاتی افزایش می‌یابد؛ برای مثال در صورتی که مبنای محاسبه مالیات بر مزایای نقدی و غیرنقدی کار در کشور خارجی (غیر مقیم) شیوه سوم باشد و مالیات از کارفرما دریافت و نیز در کشور مقیم مالیات مزایا بر اساس روش اول از کارگر اخذ شود، معمولاً مالیات پرداخت شده توسط کارفرما در کشور خارجی به عنوان اعتبار مالیاتی برای کارگر در کشور مقیم منظور نمی‌شود و از این رو مالیاتی مضاعف از مزایای نقدی و غیرنقدی کار اخذ می‌شود [۸].

در صورتی که واحد مالیاتی برای مزایای نقدی و غیرنقدی کار، کارگر باشد، برای کارگران با درآمدهای نقدی پایین، احتمال عدم توانایی

پرداخت مالیات مزایای غیر نقدی به سبب عدم در اختیار داشتن وجوه نقد کافی زیاد است. همچنین اخذ مالیات از مزایای نقدی و غیر نقدی معمولاً نیازمند وجود اطلاعات شفاف و دقیق از این مزایاست که معمولاً احصای آن از کارفرمایان ساده‌تر از مؤدیان است؛ از این رو اخذ مالیات این پایه درآمدی از کارفرمایان معمولاً با هزینه کمتری همراه خواهد بود. وجود چالش‌های اجرایی ذکر شده برای اخذ مالیات از واحد مالیاتی کارگران سبب آن شده است که معمولاً اجماع سیاسی بیشتری برای اخذ مالیات مزایا از کارفرمایان وجود داشته باشد. از این رو کشورهایی که به دنبال معرفی این پایه مالیاتی به عنوان یکی از پایه‌های جدید مالیاتی در نظام مالیات بر مجموع درآمد هستند، معمولاً در ابتدای کار واحد مالیاتی مزایای نقدی و غیر نقدی را کارفرمایان قرار می‌دهند [۸].

یکی از چالش‌های اخذ مالیات از مزایای غیر نقدی، محاسبه ارزش این مزایاست. معمولاً بهترین شیوه برای محاسبه ارزش این مزایا، برآورد ارزش ذهنی این مزایا نزد مؤدیان است؛ با توجه به محدودیت‌های اجرایی که برای محاسبه ارزش مزایا با استفاده از این شیوه وجود دارد، عملاً این شیوه در هیچ نظام مالیاتی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. رایج‌ترین روش محاسبه ارزش مزایای غیر نقدی، محاسبه ارزش بازاری این مزایاست. تجربه عملی بسیاری از نظامات مالیاتی نشان می‌دهد که این شیوه نیز با هزینه‌های اجرایی زیادی برای مؤدیان و مجریان مالیاتی همراه است و در برخی موارد سبب تحمیل بار مالیاتی زیادی به مؤدیان خواهد شد؛ از این رو محاسبه ارزش بازاری مزایای غیر نقدی نیازمند تدوین دستورالعمل اجرایی دقیقی برای سهولت در محاسبه ارزش این مزایا و رفع برخی ابهامات ارزش‌گذاری - همچون زمان مبنای محاسبه ارزش بازاری مزایا و... - است. وجود هزینه‌های اجرایی و نیز تحمیل بار اضافی مالیاتی به مؤدیان برای محاسبه ارزش بازاری مزایای غیر نقدی منجر به آن شده است که معمولاً ارزش برخی از مزایای غیر نقدی از روش‌های تخمینی و فرمول‌های محاسباتی مجزایی محاسبه شود؛ برای مثال معمولاً هزینه اسکان و تغذیه در برخی مکان‌ها همچون کشتی، جنگل و... بسیار بالاست؛ از این رو ارزش حقیقی این مزایا برای کارگرانی که با اشتغال در چنین محیط‌هایی از مزایای جانبی اسکان، تغذیه و... در این محیط‌ها بهره‌می‌برند، در حقیقت برابر با ارزش این مزایا در صورت عدم اشتغال به آن کار و زندگی در یک محیط معمولی است. با وجود این محاسبه ارزش بازاری این مزایا می‌تواند بار مالیاتی زیادی را بر این کارگران تحمیل کند. در چنین شرایطی معمولاً از روش‌های جایگزین برای برآورد ارزش، همچون محاسبه ارزش مزایا بر مبنای هزینه تهیه برای کارفرما و یا ارزش این مزایا برای مشاغل عادی، استفاده می‌شود [۸].

در نظام‌های مالیات بر مجموع درآمد برخی مزایا از پرداخت مالیات معاف هستند. این معافیت‌ها می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد؛ برای مثال مزایایی که کارگر ناگزیر به استفاده از آن در ضمن اشتغال به کار بوده، معمولاً از پرداخت مالیات معاف است. همچنین در اغلب موارد، مزایایی که کارگر برای استفاده از آن مجبور به پرداخت برخی هزینه‌هاست نیز در زمره مزایای معاف از مالیات قرار می‌گیرند. برخی مزایا همچون تسهیلات نگهداری فرزند و یا تسهیلات خدمات بهداشتی و آموزشی و... دارای مطلوبیت اجتماعی و یا به عبارت دیگر دارای آثار جانبی مثبت زیادی برای اجتماع و خانواده کارگران و کارمندان است. دولت‌ها معمولاً برای حمایت از گسترش این آثار جانبی مثبت در جامعه، این گونه مزایا را از پرداخت مالیات معاف می‌کنند [۸]. در پایان این بخش ذکر این نکته ضروری است که یکی از روش‌های فرار مالیاتی، انعقاد قرارداد مجزا و خارج از روابط کاری با کارفرما برای اعطای مزایای نقدی و غیر نقدی است. بر این اساس یکی از ابعاد مهم در محاسبه این پایه مالیاتی شناسایی نسبت مزایای اعطایی با درآمد و اشتغال کارگر است. به عبارت دیگر ممیز مالیاتی باید مشخص کند که آیا این مزایای اعطایی به سبب اشتغال کارگر بوده یا دلایل دیگری داشته است؟

۵. درآمد سرمایه



درآمد سرمایه شامل مجموعه‌ای از پایه‌های درآمدی است که مطابق با تعریف هیگ‌سایمونز مشمول مالیات می‌شوند و اغلب در نظام‌های فراگیر مالیاتی، مالیات آنها تحت نظام مالیات بر مجموع درآمد اخذ می‌شود. اخذ مالیات از پایه‌های مختلف درآمد ناشی از سرمایه دارای ابعاد و ویژگی‌های منحصر به فردی است؛ از این رو در این بخش به بررسی مجزای هر یک از پایه‌های درآمد سرمایه پرداخته می‌شود.

۱-۵. عایدی سرمایه

به‌طور کلی عایدی سرمایه با استفاده از دو شیوه محاسبه عایدی در زمان فروش (نقدی)^۱ و یا محاسبه عایدی در زمان تغییر ارزش (تعهدی)^۲ محاسبه می‌شود. مطابق با روش اول عایدی سرمایه در زمان خرید و فروش آن مشمول مالیات قرار می‌گیرد و میزان آن برابر با اختلاف قیمت خرید و فروش سرمایه است. در زمانی که یک مؤدی تا زمان مرگ، سرمایه خاصی را پیش خود نگهدارد معمولاً برای جلوگیری از تحمیل بار زیاد مالیاتی به وراثت، درآمد ناشی از سرمایه به صورت مابه‌التفاوت ارزش سرمایه در زمان مرگ و قیمت فروش آن محاسبه می‌شود. مطابق با روش دوم تعهدی نیز، سرمایه به محض افزایش ارزش مشمول مالیات‌ها قرار می‌گیرد. در این روش نیز معیار افزایش ارزش مابه‌التفاوت هزینه پرداختی مؤدی در زمان خرید سرمایه باقیمت بازاری آن است. هر کدام از این دو شیوه محاسباتی با کاستی‌هایی روبه‌رو است. در روش اول، عایدی سرمایه تا زمان فروش آن مشمول مالیات نمی‌شود و از این رو مطابق با این روش، سرمایه مشمول ترجیح مالیاتی نسبت به سایر پایه‌های نظام مالیات بر مجموع درآمد می‌شود. همچنین در این روش مؤدیان با هدف کاهش ارزش حال تنزیل یافته بدهی مالیاتی، انگیزه چندانی برای فروش سرمایه خود نخواهند داشت که این می‌تواند سبب حبس سرمایه و کاهش نقدشوندگی و در نتیجه ایجاد نقص در بازار سرمایه شود. از جمله کاستی‌های شیوه دوم محاسبه درآمد ناشی از سرمایه، احتمال عدم وجود نقدینگی کافی برای صاحب سرمایه جهت پرداخت مالیات است؛ در صورتی که یک مؤدی دارای درآمد بالایی نباشد، وقتی دارایی او دچار تغییر ارزش می‌شود، احتمال آن می‌رود که او نتواند از پس پرداخت مالیات برآید و در نتیجه مجبور به فروش دارایی خود برای پرداخت بدهی مالیاتی شود. هزینه‌های اجرایی و مدیریتی بالای این روش به سبب افزایش تعداد دفعات مراجعه-حضور و غیر حضوری-مؤدیان به سازمان مالیاتی برای پرداخت بدهی مالیاتی و نیز ضرورت افزایش تعداد دفعات ممیزی برای کنترل رفتار مؤدی در زمان تغییر ارزش دارایی، از جمله آسیب‌های دیگر این شیوه محاسباتی است [۹].

جدول ۲. معایب شیوه‌های محاسبه عایدی سرمایه

روش نقدی	روش تعهدی
ترجیح مالیاتی برای عایدی ناشی از سرمایه	دشواری محاسبه
اجتناب مالیاتی	احتمال عدم انطباق ارزش محاسبه‌شده توسط متخصصین با ارزش بازاری
کاهش نقدشوندگی دارایی‌ها و نقص بازار	هزینه‌های مدیریتی و اجرایی بالا
	عدم وجود اطلاعات کافی از مؤدیان
	مشکل نقدینگی

مأخذ: همان.

1. On Realization
2. On Accrual

یکی از عوامل مهمی که بر بدهی مالیاتی مؤدی اثرگذار است، مدت زمان نگهداری دارایی است [۱۰]. معمولاً با هدف جلوگیری از انجام فعالیت‌های سوداگرانه و نیز تعدیل عایدی سرمایه متناسب با تورم، عواید دارایی‌هایی که مدت زمان بیشتری نگهداری شده‌اند، مشمول نرخ‌های پایین‌تر مالیاتی می‌شوند. برای مثال قانونگذار می‌تواند به‌ازای یک مدت زمان مشخص (برای مثال هر پنج سال) که از نگهداری دارایی می‌گذرد، درصد مشخصی را از عایدی مشمول مالیات مؤدی کسر کند و در نتیجه بار مالیاتی کمتری به مؤدی تحمیل می‌شود.

۲-۵. سود تقسیمی سهام

یکی دیگر از پایه‌های مالیات‌ستانی در نظام مالیات بر مجموع درآمد، سود تقسیمی سهام^۱ است. مالیات این پایه درآمدی معمولاً به‌صورت اخذ مالیات در منبع، وصول می‌شود. گاهی برخی پایه‌های درآمدی مشمول چند نوع مالیات می‌شوند که نتیجه آن اخذ مالیات مضاعف از آن پایه است؛ سود تقسیمی سهام نیز از این دست پایه‌ها به‌شمار می‌آید. درآمد شرکت‌ها از سویی مشمول مالیات بر درآمد شرکت‌ها می‌شود و از سوی دیگر سود تقسیمی آنها نیز در سطح فردی مشمول مالیات بر مجموع درآمد می‌شود. دولت‌ها، معمولاً با اعمال نرخ‌های بالای مالیاتی بر سود تقسیمی سهام - حتی بالاتر از نرخ مالیات بر درآمد ناشی از سرمایه - در تلاشند تا ضمن جلوگیری از تقسیم سود شرکت توسط بنگاه‌ها زمینه را برای ذخیره سود در شرکت‌ها و استفاده از آن به‌عنوان یک منبع تأمین مالی ارزان و در دسترس برای توسعه فعالیت بنگاه‌ها مهیا کنند^۲ [۲]. با وجود این شیوه‌های جدیدی برای اخذ مالیات سود تقسیمی سهام جهت جلوگیری از ایجاد مالیات مضاعف معرفی شده‌اند؛ رایج‌ترین شیوه، ادغام مالیات بر درآمد شرکت‌ها با نظام مالیات بر مجموع درآمد است.^۳ مطابق با این روش، درآمد یک شرکت به‌تناسب سهام سهام‌داران آن، میان آنها تقسیم می‌شود و تنها در سطح سهام‌داران - مؤدیان حقیقی - به‌عنوان مالیات بر مجموع درآمد از آنها مالیات اخذ می‌شود. مطابق این شیوه، مالیات بر درآمد شرکت‌ها به‌عنوان پیش‌پرداخت بدهی مالیاتی سهام‌داران منظور می‌شود و در هنگام محاسبه مالیات بر مجموع درآمد، مالیات اخذ شده به‌عنوان اعتبار مالیاتی به آنها باز خواهد گشت [۶]. اعمال نرخ‌های پایین‌تر مالیاتی برای سود تقسیمی سهام و یا عدم محاسبه سود تقسیمی به‌عنوان درآمد مشمول مالیات بنگاه (ACE)^۴ از جمله راهکارهایی است که آثار اخذ مالیات مضاعف را از جانب شرکت‌ها کاهش می‌دهد [۱۱]. اعطای اعتبارات مالیاتی و یا معافیت همه یا بخشی از سود تقسیمی از پرداخت مالیات (ASE)^۵ نیز از جمله راهکارهای دیگری است که می‌تواند در طرف سهام‌دار به اجرا رساند [۱۱]. نکته قابل توجه در بهره‌گیری از این روش‌ها آن است که در صورتی یک شرکت به دلایلی چون معافیت‌های خاص، هزینه‌های قابل قبول و اعتبارات مالیاتی خاص... از پرداخت مالیات بر درآمد خود معاف شود، مجری مالیاتی باید آن را شناسایی کرده و از اعمال معافیت‌ها و اعتبارات برای سود تقسیمی و تحمیل مخارج مالیاتی اضافی به دولت جلوگیری کند.

۳-۵. سود سپرده، سهام و صکوک

با توجه به شفافیت سود سپرده‌های بانکی، می‌توان مجموع سود سپرده در هر دوره مالیاتی را متناسب با نوع سپرده محاسبه و ماهیانه و یا سالیانه متناسب با دوره مالیاتی و ماهیت سپرده به شیوه اخذ در منبع وصول کرد. اخذ در منبع سود سپرده‌های بانکی با نرخ مالیاتی هموار رایج‌ترین شیوه اخذ مالیات سود سپرده بانکی به‌شمار می‌آید که امروزه در کشورهای هم‌چون مکزیک و کره جنوبی مورد استفاده قرار گرفته است. در برخی از نظامات مالیاتی هم‌چون نظام‌های مالیاتی کشورهای شیلی، آفریقای جنوبی، آلمان، انگلیس و... با هدف تشویق مؤدیان

1. Dividend
2. Retained Earning
3. Full Integration Tax System
4. The Allowance for Corporate Equity Tax System
5. The Allowance for Shareholder Equity Tax System

به پس‌انداز و جلوگیری از اخذ مالیات مضاعف از مصرف‌آینده، معافیت‌هایی برای بازدهی‌های اندک سپرده‌ها در نظر گرفته می‌شود. یکی دیگر از شیوه‌های ترجیح مالیاتی سود سپرده آن است که بدهی مالیاتی در هر دوره محاسبه می‌شود، ولی وصول آن تا زمان برداشت مؤدی از سپرده خود به تعویق می‌افتد؛ در نتیجه با کاهش ارزش حال تنزیل یافته بدهی مالیاتی، نوعی ترجیح مالیاتی برای این دسته از سرمایه‌ها در نظر گرفته می‌شود؛ معمولاً این شیوه برای سپرده‌گذاری‌های صندوق‌های خصوصی بیمه عمر و مستمری بازنشستگی رایج است [۱۰].

تغییر ارزش سهام و صکوک می‌تواند برای صاحبان آن عایدی‌هایی داشته باشد؛ از این رو عایدی این دارایی‌ها معمولاً به‌عنوان یک منبع درآمدی مشمول مالیات بر مجموع درآمد قلمداد می‌شود. اخذ مالیات از آنها همچون سایر عواید سرمایه، می‌تواند به‌صورت اخذ مالیات از مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش آن در زمان فروش و یا به‌محض تغییر ارزش آن اخذ شود. با توجه به نوسانات زیاد این دارایی اغلب مالیات آن به‌صورت اخذ در منبع و با محاسبه مابه‌التفاوت ارزش آن در زمان خرید و فروش وصول می‌شود. از سوی دیگر صکوک متناسب با سررسیدهای مشخص دارای بازدهی‌های دوره‌ای با نرخ ثابت نیز بوده که اغلب، مالیات آن به‌صورت اخذ در منبع قابل وصول است.

۴-۵. اجاره املاک

اجاره املاک می‌تواند به‌عنوان نوعی درآمد مشمول مالیات بر مجموع درآمد قرار گیرد. اخذ اجاره املاک به دو صورت شیوه اخذ در منبع و شیوه اظهارنامه مالیاتی امکان‌پذیر است. در «روش اخذ در منبع»، مستأجر مکلف می‌شود تا درصد مشخصی از اجاره‌بهای ماهیانه خود را به‌عنوان مالیات اجاره ملک به‌صورت ماهیانه به دولت بپردازد. در الگوهای مالیاتی فراگیر، این نرخ همان نرخ مالیات بر درآمد ناشی از سرمایه است. در صورتی که نرخ‌ها در نظام مالیاتی به‌صورت تصاعدی باشد و سال‌های قرارداد اجاره منطبق بر دوره مالیاتی نباشد، احتمال دارد که میزان اجاره پرداختی مؤدی برای هر ماه در طول دوره مالیاتی یکسان نباشد و در نتیجه محاسبه درآمد به شیوه اخذ در منبع با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد بود. این شیوه اخذ مالیات بر درآمد اجاره املاک در کشور ایسلند اجرا می‌شود.

در «روش اخذ مالیات بر درآمد اجاره با پر کردن اظهارنامه مالیاتی»، صاحب‌ملک موظف است که در پایان هر دوره مالیاتی کل درآمد حاصل از اجاره‌بها که از مستأجر در آن دوره اخذ کرده است را در اظهارنامه مالیاتی افشا کند و مطابق با نرخ مالیات بر درآمد ناشی از سرمایه، مالیات آن را بپردازد. در این روش مؤدی می‌تواند هزینه‌های انجام گرفته برای اجاره ملک -مانند هزینه تعمیرات، هزینه انعقاد قرارداد و...- را به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول از درآمد اجاره ملک کسر کند. از جمله کشورهایی که این روش مالیات‌ستانی را اجرا می‌نمایند ایالات متحده آمریکا است. تفاوت اصلی دو روش مذکور، در تفاوت مؤدی مالیاتی است. در روش اخذ مالیات در منبع، مؤدی مالیات مستأجر و در روش پر کردن اظهارنامه مالیاتی مؤدی مالیات صاحب‌ملک است. معمولاً متناسب با حجم اجاره‌بها، از روش اخذ در منبع برای مقادیر کم و از روش اظهارنامه مالیاتی برای مقادیر بالای بدهی مالیاتی استفاده می‌شود.

۵-۵. درآمد کشاورزی^۱

درآمد کشاورزی نیز از جمله حوزه‌هایی است که مطابق قاعده هیگ سایمونز از درآمد، باید مشمول مالیات شود (البته با رعایت ملاحظات بخش کشاورزی به‌نحوی که به تولید محصولات و کشاورزان خرد فشار وارد نشود)، محاسبه درآمد کشاورزی به‌علت وجود چالش‌هایی چون عدم ثبت دقیق اطلاعات مالی همچون هزینه‌ها، میزان محصول و...، مصرف شخصی کشاورزان از محصولات و نیز عدم تفکیک درآمد کار از سرمایه با ملاحظات خاصی همراه است. اولین نکته برای محاسبه درآمد حاصل از کشاورزی، تفکیک درآمد ناشی از کار، از درآمد ناشی از سرمایه همچون درآمد مشاغل خویش فرما و اصناف است. درآمد کشاورزی حاصل دو بخش درآمد سرمایه کشاورز که شامل زمین، کود و بذر

۱. جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید به گزارش مستقلی که در این زمینه با عنوان «مالیات بر مجموع درآمد (۱۲): بررسی تطبیقی شیوه حمایت از کشاورزی در ساختار مالیات بر مجموع درآمد» به شماره مسلسل ۱۹۵۴۳، توسط مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شده است، مراجعه کنید.

و سم، ابزارآلات کشاورزی و... و نیز درآمد ناشی از کار کارگر یا کشاورز است. در الگوی مالیاتی دوگانه که در آن نرخ مالیات برای درآمدهای کار و سرمایه متفاوت است، تفکیک درآمد کار و سرمایه برای جلوگیری از تحمیل بار مالیاتی اضافی به کشاورز ضروری است [۴].

درآمد کشاورزی مانند برخی درآمدهای سرمایه - همچون فروش مسکن در دوره‌ای خاص - و یا درآمد برخی مشاغل همچون ورزشکاران و هنرمندان، دارای الگوی منظمی نیست. محصول کشاورزی ممکن است در دوره‌های بسیار پررونق و در دوره‌های دیگر بسیار اندک و یا قیمت این محصولات بسیار پرنوسان باشد؛ از این رو درآمد کشاورزان معمولاً از الگوی ثابتی در دوره‌های مشابه پیروی نمی‌کند؛ این نوسان درآمدی در الگوهای مالیاتی مبتنی بر نرخ‌های تصاعدی سبب تحمیل بار مالیاتی مضاعف بر این گونه مشاغل می‌شود؛ مانند کشاورزی که در دوره رونق محصول بالا و در نتیجه درآمد بالایی را دارد در سطوح بالای درآمدی قرار می‌گیرد و مشمول نرخ‌های بالای مالیاتی می‌شود؛ در حالی که ممکن است در دوره بعد خشک‌سالی اتفاق افتد و درآمد او بسیار کاهش یابد؛ از این رو او مجبور به ذخیره درآمد در دوران رونق با هدف هموارسازی مصرف در دوره‌های رونق و رکود است، ولی اخذ مالیات با نرخ‌های بالا از او به سبب قرارگیری در سطوح بالای درآمدی می‌تواند مانع این امر شود. با مقایسه درآمد دو مؤدی که طی یک سال مجموع درآمد یکسانی دارند، ولی درآمد یکی بسیار پرنوسان است و در نتیجه در دوره‌های خاصی مشمول نرخ‌های بالاتر مالیاتی می‌شود و نیز مؤدی دیگری که دارای الگوی درآمدی یکسان در همه دوره‌هاست مشخص می‌شود که اخذ مالیات به صورت تصاعدی و بدون هیچ‌گونه تعدیل در الگوی محاسبه درآمد برای مؤدیان با درآمد پرنوسان سبب پرداخت مالیات بیشتر و در نتیجه خدشه به عدالت افقی می‌شود. از این رو معمولاً درآمد این گونه از مؤدیان با شیوه‌های متفاوتی محاسبه می‌شود. یکی از این شیوه‌ها، روش میانگین‌گیری است؛ مطابق با این روش درآمد یک مؤدی نه در یک دوره مشخص، بلکه میانگین درآمد او در چند دوره معیار اخذ مالیات قرار می‌گیرد. یکی دیگر از شیوه‌های محاسبه این گونه درآمدها تقسیم درآمد در دوره‌های رونق به چند بخش و محاسبه هر بخش به عنوان درآمد مجزا در یک دوره است. برای مثال در صورتی که در ماه تیر درآمد یک کشاورز نسبت به سایر ماه‌ها بیشتر باشد، این درآمد می‌تواند به چند بخش - برای مثال پنج بخش - تقسیم شود و هر بخش به عنوان درآمد مشمول مالیات در پنج ماه آتی قرار گیرد. در پایان این قسمت ذکر این نکته ضروری است، در صورتی که درآمد کم نوسان و معمول یک مؤدی در بالاترین سطح آستانه درآمدی در یک نظام مالیاتی قرار داشته باشد، تعدیل روش محاسبه درآمد مشمول مالیات برای درآمدهای پرنوسان او بیهوده است. برای مثال در صورتی که بالاترین آستانه درآمدی در یک نظام مالیاتی شامل درآمدهای بیش از ۱۰۰ میلیون تومان در سال باشد، یک مؤدی دارای درآمد پرنوسان است، ولی معمولاً حداقل درآمد سالانه او بیش از ۱۰۰ میلیون تومان بوده است، نوسان درآمدی خلی در تغییر نرخ مالیاتی این مؤدی ایجاد نمی‌کند. زیرا حداقل درآمد او بیش از بالاترین آستانه درآمدی قرار دارد [۸].

۶. سایر درآمدها

۶-۱. درآمدهای خارجی

معمولاً مالیات درآمدهای خارجی به دو شیوه نظام مالیات ارضی^۱ و نظام مالیات جهانی^۲ قابل محاسبه و اخذ است. در نظام مالیات، مبنای اخذ مالیات کشوری است که فرد در آن مشغول فعالیت اقتصادی و کسب درآمد است. بر خلاف این نظام مالیات‌ستانی، در نظام مالیات جهانی، معیار اخذ مالیات، ملیت فعال اقتصادی است. در این نظام فارغ از آنکه فرد در چه کشوری اقدام به کسب درآمد می‌کند، باید اظهارنامه مالیاتی خود را برای کشور مقیم پر کند. در چنین شرایطی در صورتی که کشور خارجی نیز از مؤدی مالیات اخذ کند، مالیات پرداختی او به عنوان اعتبار

1. Territorial Tax System
2. Global Tax System



مالیاتی برای کشور مقیم لحاظ می‌شود. البته ذکر این نکته ضروری است که هماهنگی نظام مالیاتی با سایر نظامات مالیاتی برای جلوگیری از اخذ مالیات مضاعف از مؤدی در قالب پیمان‌های دوجانبه ضروری است. در صورتی که اعمال مالیات منوط به بازگرداندن درآمد خارجی به کشور باشد، مؤدی می‌تواند با تأخیر در بازگشت درآمد خود به کشور و کاهش ارزش حال تنزیل یافته بدهی مالیاتی از پرداخت مالیات اجتناب کند [۲].

مبنای مالیات‌ستانی در هر نظام مالیاتی پول ملی هر کشور است. از این رو در صورتی که فردی دارای درآمد خارجی باشد، این درآمد ابتدا باید مطابق با نرخ تسعیر ارز به پول داخلی مبدل شده و سپس مالیات آن محاسبه شود. اگرچه به صورت تئوریک مؤدی موظف است که تمامی درآمدها و هزینه‌های قابل قبول حاصل شده را در زمان احصا و مطابق با نرخ آن روز تبدیل به ارز داخلی کند، ولی این کار در عمل هزینه‌های زیادی را برای مؤدی در بر خواهد داشت. از این رو معمولاً نظامات مالیاتی برای کاهش هزینه‌های اجرایی به مؤدی اجازه می‌دهند که تمامی محاسبات مالی خود را بر اساس نظام مالی کشور خارجی انجام دهد و تنها در پایان دوره مالیاتی درآمد مشمول مالیات خود را مطابق با پول ملی محاسبه کند. یکی از چالش‌های این شیوه محاسباتی تعیین نرخ تسعیر است. نرخ تسعیر در این روش، معمولاً نرخ میانگین ارز در طول دوره مالیاتی قرار داده می‌شود. البته در کشورهایی که دارای نوسانات شدید ارزی هستند این نرخ می‌تواند شامل میانگین نرخ تسعیر ارز برای دوره‌های کوتاه‌تر - برای مثال دوره‌ای که مؤدی بیشترین معامله و کسب درآمد را داشته است - باشد. نکته قابل توجه برای قانونگذار در مورد محاسبه درآمدهای خارجی به پول ملی آن است که تسعیر ارز می‌تواند بدهی مالیاتی مؤدی را متأثر کند؛ از این رو جبران خسارات احتمالی وارده به مؤدی برای کاهش بار مالیاتی تحمیلی اضافی به سبب تسعیر ارز الزامی است [۴].

۲-۶. سود تسعیر ارز

گاهی اوقات مؤدیان ارزهای خارجی را با هدف سودجویی از تغییرات قیمت آن به نسبت پول داخلی و یا در شرایط تورمی با هدف حفظ ارزش پول خود نگهداری می‌کنند. در چنین مواردی و نیز موارد مشابه که ارز خارجی با هدف خرید کالا و خدمات یا سرمایه‌گذاری خارجی نگهداری نمی‌شود، ارز نیز به عنوان نوعی دارایی مؤدی به شمار می‌رود که سود تسعیر آن باید مشمول مالیات شود؛ این سود همچون سایر عایدی‌های سرمایه می‌تواند با محاسبه مابه‌التفاوت خرید و فروش ارز و یا تغییر ارزش ارز در طول یک دوره مالیاتی محاسبه شود. به سبب هزینه‌های اجرایی زیادی که محاسبه سود تسعیر ارز مطابق روش دوم دارد، معمولاً بدهی مالیاتی مؤدی برای این پایه درآمدی در زمان خرید و فروش محاسبه می‌شود. مالیات این پایه درآمدی می‌تواند با الزام مؤدی به افزایش قیمت خرید ارز در زمان فروش آن توسط صرافان به عنوان طرف سوم اخذ شده و به دولت پرداخت شود [۴].

۳-۶. درآمدهای بازنشستگی

رایج‌ترین شیوه اخذ مالیات از درآمد بازنشستگی، اخذ آن در منبع است. با وجود این، تفاوت در برنامه‌های مختلف بازنشستگی به تناسب کشورهای مختلف اقتضات خاصی را ایجاد می‌کند. از جمله برنامه‌های رایج بازنشستگی، سپرده‌گذاری اجباری و یا اختیاری مؤدیان در صندوق‌های بازنشستگی است. در این برنامه‌ها از سه پایه حق بیمه بازنشستگی، بازدهی سرمایه‌گذاری‌های برنامه و نیز مستمری و مزایای اعطایی برنامه به اعضا می‌توان مالیات اخذ کرد [۱۲]. از این رو، بسته به آنکه کدام یک از این سه پایه به ترتیب مشمول مالیات و یا معاف از آن باشند می‌توان مدل‌های مختلفی از مالیات‌ستانی را متصور بود: (معاف، معاف، مشمول)، (مشمول، مشمول، معاف) و ...

در ادامه با یک مثال به تشریح این مدل‌ها پرداخته می‌شود. یک مؤدی با پرداخت ۱ میلیون تومان (حق بیمه) به عضویت یک صندوق بازنشستگی که دارای طول عمر سه‌ساله است در می‌آید. نرخ مالیات بر مجموع درآمد در آن کشور به صورت هموار و تک‌نرخ ۲۵ درصد تعیین شده است. نرخ بازدهی سرمایه به صورت فرضی ۱۰ درصد در سال در نظر گرفته می‌شود. فرض بر آن است که درآمد بازنشستگی مؤدی

پس از ۳ سال در یک مرحله و به صورت یکجا به او اعطا خواهد شد. براساس این فروض چهار مدل مالیات‌ستانی بررسی می‌شود:

الف) معاف، معاف، مشمول مالیات^۱

در این مدل فرض بر آن است که مؤدی تنها ملزم به پرداخت مالیات مستمری و مزایای دریافتی در زمان بازنشستگی خواهد بود و حق بیمه بازنشستگی به‌عنوان هزینه قابل قبول برای او لحاظ خواهد شد. در مدل EET با توجه به آنکه بازدهی صندوق مشمول مالیات نخواهد بود، نرخ بازدهی سرمایه، قبل و بعد از اعمال مالیات‌ها تغییری نخواهد کرد. با مطالعه تجارب کشورهای مشخص می‌شود که امروزه بسیاری از کشورهای جهان همچون کانادا، شیلی، آلمان، ژاپن، نروژ، اسپانیا، آمریکا، انگلستان، سوئیس، اسلوانی و نروژ از این روش مالیات‌ستانی بهره می‌برند.

ب) مشمول مالیات، مشمول مالیات، معاف^۲

مطابق با این مدل مالیات‌ستانی، حق بیمه بازنشستگی به‌عنوان هزینه قابل قبول برای مؤدی لحاظ نخواهد شد و با وجود آنکه مزایا و مستمری بازنشستگی معاف از مالیات بوده، ولی صندوق بازنشستگی موظف به پرداخت مالیات عایدی سرمایه‌گذاری صندوق است. از این رو بازدهی سرمایه بعد از اعمال مالیات‌ها کمتر از قبل از اعمال آن خواهد بود. در صورتی که نرخ مالیات بر عایدی صندوق متناسب با نرخ تورم تعدیل نشود، احتمال آن وجود دارد که بازدهی سرمایه مؤدی پس از اعمال مالیات‌ها منفی شود [۱۳]. براساس مثال مذکور عایدی سرمایه از ۱۰ درصد در قبل از اعمال مالیات‌ها به ۷٫۵ درصد پس از اعمال مالیات‌ها کاهش خواهد یافت. انتخاب میان دو مدل TTE و EET در حقیقت انتخاب میان تعویق و عدم تعویق درآمد مالیاتی دولت است. از آنجا که تعویق درآمدهای مالیاتی دولت می‌تواند با هدف جلب درآمد بیشتر در آینده برای پوشش افزایش هزینه‌های دولت به سبب افزایش جمعیت و نیز افزایش تعداد سالمندان و بازنشستگان دارای توجیه باشد، ولی در مقابل عدم تعویق درآمد مالیاتی با هدف بهبود وضعیت بودجه جاری دولت -مخصوصاً در شرایط کسری بودجه- توجیه می‌شود [۱۴]. استرالیا، ترکیه و نیوزلند از جمله کشورهایی هستند که این سیستم مالیات‌ستانی را برای نظام بازنشستگی خود برگزیده‌اند.

ج) مشمول مالیات، معاف، معاف^۳

در این مدل مالیات‌ستانی، تنها حق بیمه بازنشستگی به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول لحاظ نخواهد شد و در ادامه برنامه بازنشستگی هیچ مالیاتی از مؤدی اخذ نخواهد شد. بازدهی سرمایه در این مدل نیز همچون مدل EET قبل و بعد از اعمال مالیات‌ها یکسان خواهد بود. کشورهای جمهوری چک، مجارستان و لیتوانی از جمله معدود کشورهایی است که از این سیستم مالیاتی استفاده می‌کنند. البته این سیستم در برخی از انواع برنامه‌های بازنشستگی در کشورهایی همچون هلند، مکزیک و لهستان نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

د) معاف، مشمول مالیات، مشمول مالیات^۴

در مدل ETT با وجود آنکه حق بیمه بازنشستگی به‌عنوان هزینه قابل قبول لحاظ می‌شود، ولی بازدهی سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی و نیز مزایا و مستمری بازنشستگی مشمول مالیات‌ها (نرخ ۲۵ درصد برای مثال مذکور) خواهد شد. از این رو بازدهی سرمایه‌گذاری در این برنامه بازنشستگی نیز همچون مدل TTE قبل و بعد از اعمال مالیات‌ها برابر نخواهد بود (در مثال مذکور نرخ عایدی از ۱۰ به ۷٫۵ درصد کاهش خواهد یافت)؛ همچنین در این مدل نیز تعدیل نرخ مالیات بر بازدهی صندوق در نرخ‌های بالای تورمی امری اجتناب‌ناپذیر است. ایتالیا از جمله معدود کشورهایی بوده که این سیستم را برای اخذ مالیات بازنشستگی انتخاب کرده است.

1. Exempt, Exempt, Taxable: EET
2. Taxable, Taxable, Exempt: TTE
3. Taxable, Exempt, Exempt: TEE
4. Exempt, Taxable, Taxable: ETT



تنوع برنامه‌های بازنشستگی در کشورهای مختلف سبب شده است که یک نظام مالیاتی برای برنامه‌های مختلف بازنشستگی، لزوماً از یک مدل مالیات‌ستانی استفاده نکند.^۱ همچنین در صورت تفاوت مدل‌های مالیات‌ستانی برای برنامه‌های مشابه بازنشستگی، ضرورت پیمان‌سپاری‌های بین‌المللی و یا اعمال اعتبارات و معافیت‌های مالیاتی مخصوص در جهت عدم اعمال بار مضاعف مالیاتی برای کارگران بین‌المللی قابل توجه خواهد بود [۱۴]. برای مثال در صورتی که یک کارگر در یک کشور خارجی به عضویت یک برنامه بازنشستگی در آید که براساس مدل TTE اداره می‌شود، در حالی که برنامه‌های بازنشستگی در کشور خودش مطابق با مدل EET اجرا شود، این مؤدی زمانی که در دوره بازنشستگی خود به کشورش بازگردد عملاً مشمول مدل مالیات‌ستانی TTT خواهد شد، که مجبور به تحمل بار مالیاتی زیادی می‌شود. براساس منطق ارائه شده در این قسمت و در کنار الگوی‌های مالیات‌ستانی از برنامه‌های بازنشستگی که توضیح آن آمد، می‌توان سایر مدل‌هایی همچون «معاف، معاف، معاف»^۲ و یا «مشمول مالیات، معاف، مشمول مالیات»^۳ نیز متصور بود. مدل نخست مورد تجربه کشور بلغارستان بوده و مدل TET نیز در پرغال مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۳. مثال مدل‌های مختلف مالیات‌ستانی از برنامه‌های بازنشستگی

ETT	EET	TEE	TTE	(تومان)
۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	حق بیمه قبل از اعمال مالیات
-	۲۵۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰	-	مالیات حق بیمه
۱۰۰۰۰۰۰	۷۵۰۰۰۰۰	۷۵۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	سرمایه مؤدی در صندوق
۲۴۲۲۹۶	۱۸۱۷۲۲	۲۴۸۲۵۰	۳۳۱۰۰۰	بازدهی سرمایه مؤدی پس از ۳ سال
۱۲۴۲۲۹۶	۹۳۱۷۲۲	۹۹۸۲۵۰	۱۳۳۱۰۰۰	دارایی مؤدی در صندوق در زمان بازنشستگی (سال سوم)
۳۱۰۵۴۷	-	-	۳۳۲۷۵۰	مالیات در آمد بازنشستگی
۹۳۱۷۲۲	۹۳۱۷۲۲	۹۹۸۲۵۰	۹۹۸۲۵۰	در آمد بازنشستگی

مأخذ: همان.

برنامه‌های بازنشستگی اجباری و عمومی معمولاً دارای هدف توزیعی است؛ در حالی که نظام‌های بازنشستگی خصوصی دارای اهداف هموارسازی مصرف است. ایجاد توازن میان معافیت‌ها و نرخ‌های مالیاتی میان برنامه‌های بازنشستگی خصوصی و عمومی با هدف عدم اخلاقی در انگیزه‌های مؤدیان بسیار مهم است. در صورتی که برخلاف برنامه خصوصی، برنامه عمومی بازنشستگی با هدف جبران کسری مستمری مؤدیان تا آستانه‌ای مشخص معاف از مالیات باشد، مؤدیانی که دارای مستمری بازنشستگی کمتر از آستانه تعیین شده باشند، انگیزه لازم را جهت ادامه برنامه خصوصی بازنشستگی از دست می‌دهند. زیرا می‌توانند به همان سطح قبلی درآمد بدون پرداخت حق بیمه بازنشستگی خصوصی دست یابند [۱۴]. از این رو بهتر است تا معافیت‌ها به گونه‌ای سامان یابد که اخلاقی در انگیزه افراد برای هموارسازی مصرف ایجاد نشود. با وجود اهمیت عدم اخلاقی در انگیزه مؤدیان، اما معمولاً معافیت‌های اختصاصی بازنشستگان تأثیر کمتری در نرخ جانشینی^۴ درآمد بازنشستگی برای مؤدیان با سطوح پایین در مقایسه با مؤدیان با درآمد بالا دارد. از سوی دیگر با توجه به آنکه معمولاً سطح درآمد طبقات با

۱. هلند و فرانسه از جمله کشورهایی هستند که از ترکیبی از این روش‌ها برای اخذ مالیات از انواع مختلفی از برنامه‌های بازنشستگی بهره می‌برند.

2. EEE

3. TET

۴. نسبت خالص مستمری بازنشستگان قبل و بعد از بازنشستگی را نرخ جانشینی بازنشستگی گویند.

سطوح درآمدی پایین از آستانه پرداخت مالیات (معافیت پایه) کمتر است، معافیت‌های مخصوص بازنشستگان تأثیر زیادی بر درآمد ایشان نخواهد داشت [۱۵]. از این رو به نظر می‌رسد تضمین حداقل مستمری بازنشستگی در قالب طرح‌های اجباری بازنشستگی برای افزایش سطح درآمد این دست از مستمری‌بگیران مؤثرتر است.

در بسیاری از کشورها، معافیت‌ها و اعتبارات مالیاتی خاصی برای مستمری‌های بازنشستگی، حق بیمه‌های اجباری بازنشستگی و نیز سپرده‌های بازنشستگی برای سالمندان در نظر گرفته می‌شود. بسته به نوع برنامه بازنشستگی، نوع اعمال این معافیت‌ها و اعتبارات متفاوت است [۱۶]. برای مثال معافیت مالیاتی سپرده افراد سالمند، تعویق اخذ بدهی مالیاتی سپرده تا زمان برداشت از حساب و... از جمله روش‌های اعمال معافیت‌هاست. ترجیح مالیاتی این نوع سپرده‌ها ضمن آنکه سبب اصلاح انگیزه‌های مؤدیان در جهت هموارسازی مصرف آینده می‌شود، با کاهش تقاضای مستمری عمومی بازنشستگی، از هزینه‌های برنامه‌های دولتی بازنشستگی می‌کاهد.

تحقق عدالت افقی مالیاتی در مورد پس‌اندازهای بازنشستگی از دو جنبه قابل بررسی است. از سویی عدالت افقی مالیاتی اقتضای آن را دارد که درآمدهای مؤدی فارغ از آنکه از چه نوعی باشد مشمول مالیات‌ها قرار گیرد. از این رو در نظامات مالیاتی فراگیر تحقق عدالت افقی مالیاتی مستلزم عدم ترجیح مالیاتی پس‌اندازهای بازنشستگی همچون سایر پس‌اندازهاست. از سوی دیگر از آنجا که سپرده‌های بازنشستگی در حقیقت تعویق مصرف به زمان آینده است، از این رو اخذ مالیات از این سپرده‌ها سبب ترجیح مالیاتی مصرف‌کننده است که این امر می‌تواند به نوبه خود عدالت افقی مالیاتی را خدشه‌دار کند [۱۶].

۴-۶. هدایای نقدی و غیر نقدی

هدایای نقدی و غیر نقدی در صورتی که به عنوان بخشی از مزایای کار به‌شمار آیند می‌تواند بر اساس تعریف هیگ سایمونز، به عنوان بخشی از درآمد مؤدی مشمول مالیات بر درآمد قرار گیرد. با توجه به هزینه‌های زیاد محاسبه و ممیزی این منبع درآمدی، معمولاً هدایایی که ارزش آنها از میزان مشخصی بالاتر باشد مشمول این نوع مالیات قرار می‌گیرد. برای محاسبه ارزش نقدی هدایای غیر نقدی می‌توان از شیوه‌هایی که برای محاسبه مزایای غیر نقدی کار در بخش‌های قبلی گزارش بدان اشاره شد، استفاده کرد. اگرچه هدایایی که به عنوان مزایای کار پرداخت نمی‌شود را نمی‌توان نوعی درآمد به حساب آورد، اما در برخی موارد استثنایی از سوی کشورها با هدف جلوگیری از فرار مالیاتی اعمال می‌شود. برای مثال هدیه جریان درآمدی و یا دارایی خاصی که دارای جریان منفعت طولانی مدت برای مؤدی باشد، معمولاً به عنوان پایه مالیاتی نیز لحاظ می‌شود. در این شرایط مالیات این جریان درآمدی از دو طریق قابل محاسبه است: در روش اول، مجموع درآمد وصول شده مؤدی در هر دوره مالیاتی مشمول مالیات‌ها می‌شود. در شیوه دوم، ارزش حال مجموع منفعت قابل پیش‌بینی برای مؤدی از آن هدیه به صورت یکجا مشمول مالیات می‌شود. از آنجا که یکی از راه‌های اجتناب مالیاتی اعطای پرداخت‌های مالی از طریق اعطای هدایای ضمن قرارداد است، از این رو محاسبه این منبع درآمدی به عنوان یکی از پایه‌های نظام مالیات بر مجموع درآمد برای جلوگیری از اجتناب مالیاتی مؤدیان قابل توجه است [۸].

۵-۶. درآمدهای اتفاقی

یکی دیگر از پایه‌های مالیاتی موجود در نظام مالیات بر مجموع درآمد می‌تواند درآمدهای اتفاقی یک مؤدی در طول یک دوره مالیاتی باشد. این درآمدها معمولاً شامل درآمدهای غیر قابل پیش‌بینی و یا غیر شفاف برای مؤدی است که در طول یک دوره مالیاتی به او تعلق می‌گیرد [۸]. در یک نظام مالیاتی تصاعدی برای جلوگیری از تحمیل بار مالیاتی زیاد به مؤدیانی که اغلب در سطوح پایین درآمدی هستند، می‌توان درآمد اتفاقی قابل توجه یک مؤدی را مشمول نرخ متوسط مالیاتی - و نه نرخ تصاعدی - قرار داد و یا آنکه با تقسیم این درآمد به عنوان درآمد مؤدی در چند دوره مالیاتی مختلف از قرارگیری مؤدی در سطوح بالای درآمدی که معمولاً دارای نرخ‌های بالای مالیاتی است جلوگیری کرد [۸].



۷. مروری بر قانون مالیات‌های مستقیم در ایران



با وجود آنکه در قانون مالیات‌های مستقیم ایران به برخی از پایه‌های مالیاتی نظام مالیات بر مجموع درآمد اشاره شده و موضوع اخذ مالیات قرار گرفته است، ولی با توجه به عدم جامعیت این قانون در ملاحظه تمامی پایه‌های درآمدی در کنار یکدیگر و نگاهی جزیره‌ای به پایه‌های مختلف درآمدی، این نظام مالیات‌ستانی را نمی‌توان نوعی نظام مالیات بر مجموع درآمد دانست.^۱ در ادامه این بخش مروری بر مهم‌ترین ابعاد قانون مالیات‌های مستقیم ایران بر اساس آخرین تغییرات آن در سال ۱۳۹۴ در حوزه نحوه محاسبه درآمد خواهیم داشت.

کلیه اشخاص حقیقی مقیم و غیرمقیم ایرانی و نیز اشخاص غیر ایرانی که در ایران تحصیل درآمد می‌کنند و یا دارای ملک هستند، مشمول قانون مالیات‌های مستقیم قرار می‌گیرند. در صورتی که هر شخص حقیقی دارای بیش از یک واحد شغلی باشد، تنها مجاز خواهد بود که از یکی از معافیت‌های درآمدی خود استفاده کند. همچنین حقوق و دستمزد در ایران به صورت اخذ در منبع و با نرخ‌های تصاعدی ۱۰ تا ۳۵ درصد اعمال می‌شود. کلیه هزینه‌های جبرانی بیمه، مستمری‌های بازنشستگی، عیدی‌های سالیانه و... از پرداخت مالیات حقوق و دستمزد معاف هستند. از جمله پایه‌های مالیاتی دیگری که بر اساس قانون مالیات‌های مستقیم مشمول مالیات بر درآمد می‌شوند، مزایای نقدی و غیرنقدی کار است. این مزایا به عنوان جزئی از حقوق و دستمزد، مطابق با نرخ آن، مشمول مالیات‌ها می‌شوند. ارزش مزایای نقدی بر اساس قانون به جز در موارد خاص،^۲ بر اساس قیمت تمام شده آن هم برای کارفرما محاسبه می‌شود.

اگرچه در قانون مالیات‌های مستقیم ایران مالیات مخصوصی بر درآمد حاصل از فروش دارایی‌ها پیش‌بینی نشده است، اما نقل و انتقال املاک مشمول ۵٪ مالیات به مآخذ ارزش معاملاتی می‌شود. چنانچه ارزش معاملاتی ملک مشخص نباشد، تعیین این ارزش بر عهده کمیسیون تقویم املاک است که این کمیسیون مطابق قانون مالیات‌های مستقیم موظف است ارزش معاملاتی را بر اساس معیارهایی همچون نوع کاربری و مصالح استفاده شده در ساخت ملک، برابر ۲٪ میانگین قیمت‌های روز املاک منطقه تعیین کند و این رقم باید هر سال به میزان ۲٪ تارسیدن به ۲۰٪ افزایش یابد. بر این اساس مؤدیان می‌توانند با عدم تعیین ارزش معاملاتی ملک خود و قرار دادن ملک معاملاتی‌شان در ذیل این ماده از پرداخت ۸۰٪ بدهی مالیاتی اجتناب کنند که این می‌تواند از جمله نقاط ضعف این قانون به شمار آید.

درآمد ناشی از اجاره املاک پس از کسر ۲۵٪ به عنوان هزینه‌های قابل قبول استاندارد مشمول مالیات می‌شود که لازم است توسط مؤجر به عنوان مؤدی مالیاتی در اظهارنامه افشا و پرداخت شود. البته این قانون دارای معافیت‌های بسیاری است. برای مثال ملک شخصی مؤدی و یا سایر املاک او که بستگان درجه یک به صورت مجانی در آن ساکن هستند معاف از پرداخت مالیات است. همچنین مالکان مجتمع‌های مسکونی با بیش از ۳ واحد استیجاری نیز از پرداخت ۱۰٪ مالیات معاف هستند. مطابق قانون مالیات‌های مستقیم املاک خالی در شهرهایی که بیش از یک صد هزار نفر جمعیت داشته باشند نیز از سال دوم مشمول مالیات بر اجاره املاک می‌شوند. (سال دوم ۵۰٪ مالیات متعلقه، سال سوم ۱۰۰٪ مالیات متعلقه، سال چهارم به بعد ۱۵۰٪ مالیات متعلقه).

در پایان این قسمت ذکر این نکته ضروری است که کلیه درآمدهای اتفاقی همچون هبه نیز مطابق قانون مالیات‌های مستقیم ایران مشمول مالیات با نرخ تصاعدی ۱۵ تا ۲۵ درصد می‌شوند. همچنین در ایران، کلیه درآمدهای کشاورزی مطابق با قانون مالیات‌های مستقیم، معاف از پرداخت مالیات است.^۳

۱. اخذ مالیات از مجموع درآمد مؤدیان در اصلاحات قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۸۰ حذف شد. البته تا پیش از آن نیز این قانون به‌طور جدی اجرا نمی‌شد.
۲. ارزش اتومبیل شخصی با راننده معادل ۱۰٪ و بدون راننده معادل ۵٪ حقوق و مزایای مستمر مؤدی و نیز ارزش مسکن با اثاثیه معادل ۲۵٪ و بدون اثاثیه معادل ۲۰٪ حقوق و مزایای مستمر مؤدی محاسبه می‌شود.
۳. البته دولت بر اساس این قانون مکلف شده بود که تا پایان برنامه سوم توسعه آن دسته از فعالیت‌های کشاورزی را که استمرار معافیت‌های مالیاتی ایشان ضرورت دارد مشخص کند.



محاسبه و تعیین پایه‌های مالیاتی یکی از پیچیده‌ترین ابعاد نظام مالیات بر مجموع درآمد است. مهم‌ترین عامل در ایجاد این پیچیدگی، تفاوت ماهیت پایه‌های مختلف درآمدی و نیز نقش مؤثر عامل زمان در ایجاد تفاوت در درآمد مشمول مالیات است؛ از این رو نحوه محاسبه و اخذ مالیات پایه‌های مختلف درآمدی دارای ملاحظات مختلفی است. در این گزارش به بررسی این ملاحظات متناسب با ماهیت پایه‌های مختلف درآمدی پرداخته شد. به نظر می‌رسد تحقق یک نظام مالیاتی کارآمد در گرو بهره‌گیری از شیوه‌های کارآمد اخذ مالیات از پایه‌های مختلف درآمدی است. از این رو حتی در الگوی مالیاتی فراگیر نیز ضرورتی در استفاده از یک شیوه مالیات‌ستانی و محاسبه درآمد برای تمامی پایه‌های مالیاتی وجود ندارد؛ به علاوه آنکه با توجه به تفاوت ماهیت پایه‌های مختلف درآمدی عملاً نیز این امر امکان‌پذیر نیست. یکی دیگر از نکاتی که باید در زمینه تعیین نحوه محاسبه درآمد مورد توجه قرار داد آن است که هرچه در یک قانون مالیاتی نحوه محاسبه درآمد دقیق‌تر و به صورت جزئی‌تر تشریح شده باشد، مؤدیان راحت‌تر و با هزینه کمتری می‌توانند به تعهدات خودآگاهی پیدا کرده و تمکین کنند. از این رو معمولاً اغلب آسیب‌ها و هزینه‌های اجرایی موجود در نظام مالیاتی به سبب عدم تحدید دقیق پایه‌های مالیاتی در قانون مالیات بر مجموع درآمد است، که این امر می‌تواند زمینه اجتناب مالیاتی را نیز تشدید کند.

در کشورهای در حال توسعه نحوه تعیین پایه‌های درآمدی با ملاحظات دیگری نیز روبه‌رو است. نواقص پیشینی بازارها در این کشورها، وجود انگیزه‌های زیاد سوداگری، حجم بالای نقدینگی و تورم، عدم وجود توان اجرایی کافی، حجم بالای اقتصاد زیرزمینی، عدم وجود شفافیت کافی در بخش‌های مختلف مالی و نیز عدم توسعه روش‌های نوین حسابداری مالی در میان اصناف و مشاغل از جمله چالش‌هایی است که نحوه محاسبه درآمد در این کشورها را با ملاحظات زیادی روبه‌رو کرده است. با توجه به آنکه هر یک از روش‌های محاسبه درآمد دارای مزایا و معایب مختلفی است و معمولاً روش‌های پیچیده‌تر از معایب کمتری برخوردار بوده و درآمد مشمول مالیات را متناسب با معیارهای عدالت افقی و عمودی به شکل بهتری محاسبه می‌کند، از این رو پیشنهاد می‌شود که با توجه به معیارهایی همچون سادگی، قابلیت هماهنگی با ساخت نهادی جامعه، توانایی اجرایی نظام مالیاتی در به کارگیری آن روش و... روش محاسبه درآمد در نظام مالیاتی ایران انتخاب شود و براساس یک برنامه‌گذار در یک مدت زمان مشخص به سمت به کارگیری روش‌های پیچیده‌تر حرکت کند.



تعریف اصطلاحات^۱

درآمد ناخالص (Gross income): مجموع درآمدهایی است که مؤدی در یک سال مالیاتی، از همه منابع درآمدی خود (مانند درآمد کسب و کار، دستمزد، سود سهام، درآمد اجاره و ...) در ایران یا خارج از آن کسب کرده است.

درآمد خالص (Net income): درآمد خالص پس از کسر هزینه‌های کسب و کار از درآمد ناخالص به دست می‌آید.

معافیت (بخشودگی) مالیاتی (Exemptions): مبلغی که با توجه به مخارج ضروری زندگی مؤدی و افراد تحت تکفل او از درآمد خالص مؤدی قابل کسر است.

هزینه‌های قابل قبول (Deductions): آن بخش از هزینه‌های پذیرفته شده مؤدی مانند مخارج نگهداری از کودکان و سالمندان، مخارج درمانی و یا کمک با امور خیریه بوده که به موجب قانون قابل کسر از درآمد خالص است.

درآمد مشمول مالیات (Taxable income): حاصل کسر معافیت (بخشودگی) مالیاتی و هزینه‌های قابل قبول از درآمد خالص است. **بدهی مالیاتی (Taxes owed):** آن بخش از درآمد مشمول مالیات مؤدی است که پس از اعمال نرخ‌های مالیاتی، بدهی مالیاتی مؤدی تلقی می‌شود.

اعتبار مالیاتی (Tax Credit): مبلغی است که به موجب قانون اجازه کسر آن از بدهی مالیاتی وجود دارد.

مالیات قابل پرداخت (Tax Due): مبلغی است که پس از کسر اعتبار مالیاتی از بدهی مالیاتی، مؤدی باید به سازمان امور مالیاتی پرداخت کند. **بازگشت (استرداد/ برگشت مالیاتی) (Tax Refund):** مبلغی است معادل اعتبار مالیاتی مازاد بر بدهی مالیاتی که مؤدی می‌تواند از سازمان امور مالیاتی مطالبه و دریافت کند.

پیش پرداخت مالیاتی (Withholding): به وضعیتی گفته می‌شود که مالیات یک یا چند پایه درآمدی مؤدی در زمان تحقق درآمد، از طریق شخص ثالث به حساب سازمان امور مالیاتی واریز شود یا آنکه خود مؤدی بخشی از مالیات خود را پیش از پایان سال مالیاتی به صورت علی الحساب به سازمان امور مالیاتی پرداخت کند.

اجتناب مالیاتی (Tax Avoidance): به تغییر رفتار اقتصادی مؤدی (به صورت قانونی) با هدف کاهش بدهی مالیاتی گفته می‌شود. مانند آنکه مؤدی سرمایه خود را در دارایی‌هایی که معاف از مالیات هستند سرمایه‌گذاری کند، اجتناب مالیاتی قانونی است.

فرار مالیاتی (Tax Evasion): به وضعیتی گفته می‌شود که مؤدی از روش‌های خلاف قانون همچون پنهان کردن درآمد، کم‌اظهاری، پرداخت رشوه و ... بدهی مالیاتی خود را کاهش دهد، فرار مالیاتی غیرقانونی است.

۱. تعاریف بیان شده برای این اصطلاحات تعاریفی است که در این گزارش به کار رفته است. شایان ذکر است در برخی از پژوهش‌های فارسی و لاتین و نیز در نظام‌های مالیاتی کشورهای گوناگون، تعاریف ارائه شده برای برخی از این اصطلاحات تفاوت‌هایی دارد.



- [1] Hasen, David. (2018). How Should Gifts Be Treated under the Federal Income Tax. Mich. St. L. Rev., 81.
- [2] Gruber, Jonathan. (2016). Public finance and public policy. Macmillan.
- [3] Ltd, Macmillan Publishers (ed.). (2018). The New Palgrave Dictionary of Economics (3rd ed. 2018 edition). London: Palgrave Macmillan.
- [4] Burns, Lee . and Krever, Richard .(1996). Taxation of Income from Business and Investment .in Thuronyi, Victor; van der Heeden, Koenraad; & Krever, Rick. (1996). Tax law design and drafting (Vol. 2). International Monetary Fund.
- [5] Thomas, Alastair; & O'Reilly, Pierce. (2016). The impact of tax and benefit systems on the workforce participation incentives of women.
- [6] OECD. (2006). Fundamental Reform of Personal Income Tax.
- [7] van der Heeden, Koenraad. (1996). The Pay-As-You-Earn Tax on Wages .in Thuronyi, Victor; & van der Heeden, Koenraad. (1996). Tax law design and drafting (Vol. 2). International Monetary
- [8] Burns, Lee . and Krever, Richard .(1996). Individual Income Tax. in Thuronyi, Victor; & van der Heeden, Koenraad. Tax law design and drafting (Vol. 2). International Monetary Fund.
- [9] Kaldor, N. (2014). Expenditure tax. Routledge.
- [10] Collectif. (2018). Taxation of Household Savings. OECD.
- [11] Gravelle, Jane. (2016). Corporate Tax Integration and Tax Reform. Congressional Research Service.
- [12] Yoo, Kwang-Yeol; & Serres, Alain de. (2004). Tax Treatment of Private Pension Savings in OECD Countries and the Net Tax Cost Per Unit of Contribution to Tax-Favoured Schemes. Retrieved from <https://www.oecd-ilibrary.org/content/paper/387535760801>
- [13] Dilnot, Andrew; & Johnson, Paul. (1993). The taxation of private pensions. IFS Report.
- [14] Andersen, Torben M. (2015). How Should Pensions be Taxed? Theoretical Considerations and the Scandinavian Experience. CESifo Working Paper. Retrieved from <https://www.econstor.eu/handle/10419/128365>
- [15] OECD. (2019). Pensions at a Glance 2019. doi:<https://doi.org/10.1787/b6d3dcfc-en>. Retrieved from <https://www.oecd-ilibrary.org/content/publication/b6d3dcfc-en>
- [16] OECD. (2015). The tax treatment of funded private pension plans in OECD and EU countries - OECD. Retrieved April 17, 2020, from <https://www.oecd.org/tax/tax-treatment-funded-private-pension-plans-oecd-eu-countries.htm>

[۱۷] قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی. مجلس شورای اسلامی.

گزیده سیاستی

محاسبه و اخذ مالیات از پایه‌های مختلف مالیاتی روش‌های گوناگونی دارد و هر کدام ملاحظات خاصی دارند. باید هر یک با توجه به شرایط خاص خود، به نحوی مشمول مالیات شوند تا عدالت افقی و عمودی مالیاتی رعایت شده و از فرار مالیاتی نیز جلوگیری شود.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir